

شهید سلیمانے وقانون اساسے جمهوری اسلامی ایران

مجموعه یادداشت های اعضای باشگاه حقوق اساسے به
مناسبت دومین سالروز شهادت سردار سلیمانے



در این ویژه نامه بخوانید:

- حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسے
- تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسے
- بایسته های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسے
- نقش شهید سلیمانے در تحقق اهداف قانون اساسے در حوزه سیاست خارجه



سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول دوم، سوم، یازدهم، یکصد و پنجاه و دوم، یکصد و پنجاه و سوم و یکصد و پنجاه و چهارم به موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در این اینفوگرافیک که توسط پژوهشکده شورای نگهبان تهیه شده است؛ اساس، الزامات و آرمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مرور می‌گردد.



الزامات سیاست خارجی

- ۱ کوشش پیگیر برای وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام
- ۲ ممنوعیت قراردادهای موجب سلطه بیگانگان
- ۳ حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در همه جهان
- ۴ خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌ها



اساس سیاست خارجی

- ۱ روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب
- ۲ تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان
- ۳ حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان
- ۴ نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری
- ۵ حفظ استقلال و تمامیت ارضی
- ۶ دفاع از حقوق همه مسلمانان
- ۷ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی
- ۸ عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر



آرمان سیاست خارجی

- ۱ سعادت انسان در کل جامعه بشری
- ۲ استقلال، آزادی و برپایی حکومت حق و عدل برای تمام مردم جهان



منابع قانونی

- ۱ بند ج اصل دوم
- ۲ بند ۱۶ اصل سوم
- ۳ اصل یازدهم
- ۴ اصل یکصد و پنجاه و دوم تا اصل یکصد و پنجاه و چهارم



پژوهشکده شورای نگهبان

شهید سلیمانی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مجموعه یادداشت های اعضای باشگاه حقوق
اسابع به مناسبت دومین سالروز شهادت سردار سلیمانی



شماره: نخست

تاریخ: آذرماه ۱۴۰۰

مدیرمسئول: علی فتاحی

سردبیر: محمد سلیمانی

مدیرمحتوایی: محمد صادق فراهانی

مدیرهنری: سپید علی مخملباف

مدیراجرایی: مهیارخلیلی

روابط عمومی: طه یوسفی

اموررایانه: مهدی تاجیک

امورچاپ: هادی ابراهیم پور

شبکه های اجتماعی: @LawClubIR

فهرست

بخش اول - حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی

- | | |
|---|--|
| ۲ | ۱-دکترین مسئولیت حمایت و گذار از تأخر گفتمانی در حمایت‌گرایی بین‌المللی ج.ا.ا امیرکشتگر |
| ۴ | ۲-بررسی حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی و اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل کیان بیگلریگی |
| ۷ | ۳-ایران قربانی تروریسم حامد زینالی |
| ۹ | ۴-حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی پرویز قنبرزاده |

بخش دوم - تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی

- | | |
|----|---|
| ۱۲ | ۵-تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی سعید زینالی شاعر لر |
| ۱۴ | ۶-نگاهی به جایگاه اصل «لزوم حمایت از مستضعف» در اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علیرضا جعفرزاده |
| ۱۷ | ۷-تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی سید مهدی کوشکی |
| ۱۹ | ۸-تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی بهنام عبادی خوش |
| ۲۲ | ۹-حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی محمد حسین فردوسی |
| ۲۴ | ۱۰-تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی محمد علی رستمی |
| ۲۶ | ۱۱-تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی رضا محمدزاده اجور |
| ۲۸ | ۱۲-تحقق اصول یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی مبتنی بر حمایت از مستضعفان جهان در پرتو مجاهدت‌های فرمانده جبهه مقاومت؛ شهید حاج قاسم سلیمانی مهدی مظفری اناری |
| ۳۰ | ۱۳-حمایت از مستضعفین، در مسیر تمدن نوین اسلامی مه‌گل عظیمی |
| ۳۲ | ۱۴-بررسی ابعاد حقوقی ترور سردار مبارزه با تروریسم در قواعد حقوق بین‌الملل فاطمه عسگری نژاد |

بخش سوم - بایسته‌های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسی

- | | |
|----|--|
| ۳۶ | ۱۵-رهیافت قانون اساسی؛ نابسندگی ذوالحدین «تعامل یا تقابل» در تحلیل گفتمان بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران امیرکشتگر |
| ۳۹ | ۱۶-تحلیلی بر جایگاه مقاومت اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش فرمانده سپاه قدس به‌منزله معاون نظامی وزیر امور خارجه سعید نصرالله زاده |
| ۴۱ | ۱۷-بایسته‌های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسی مهدی صفری |
| ۴۳ | ۱۸-ابعاد حقوقی ترور شهید سلیمانی سیمین فرخی‌نیا |
| ۴۴ | ۱۹-حق دفاع مشروع ایران در پرتو قانون اساسی در پیگیری پرونده شهید سلیمانی و خلاء قانونی حقوق بین‌الملل در این راستا جهانگیر نیکخواه |
| ۴۶ | ۲۰-نقش شهید سلیمانی در تحقق اهداف قانون اساسی در حوزه سیاست خارجی سید صدرالدین طباطبایی |

بخش چهارم - نقش شهید سلیمانی در تحقق اهداف قانون اساسی در حوزه سیاست خارجی

- | | |
|----|--|
| ۵۰ | ۲۱-تحقق امت اسلامی در پرتو اقدامات سردار شهید سلیمانی محمد رضا زاده نجف |
| ۵۱ | ۲۲-شهید سلیمانی؛ سرباز ولایت و مجری قانون اساسی در دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان سید هادی موسوی |
| ۵۴ | ۲۳-همو تجسم و تجسدِ تام و تمام روح قانون اساسی مان بود... حمدرضا مرادیان نیری |
| ۵۶ | ۲۴-شخصیت و نقش سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی به‌عنوان اسوه حمایت از مظلومان و مستضعفان ابعاد بهمن عیسوند |

پیشگفتار

علی فتاحی زفرقندی

قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان



قانون به عنوان اعتباراتی برآمده از حیات بشر اگر چه وظیفه‌ی ذاتی خود را صرفاً محدود به سامان بخشی به زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌داند اما از آن جا که در مقام تعیین باید و نبایدهای رفتاری برای شهروندان در نظامات خرد و کلان جامعه از خانواده تا حاکمیت و از معاملات و مبادلات میان افراد تا قراردادهای و امتیازات میان چند ده کشور می‌باشد و محدوده‌ی رفتاری انسان‌ها را تبیین و چارچوب بندی می‌نماید؛ خواسته یا ناخواسته با توجه به جایگاه خود در مقام تربیت انسان نقش اساسی و بنیادین داشته و الگوهای رفتاری و گفتاری زندگی افراد جامعه را ترسیم می‌نماید. اگر قانون با رویکرد انسان مدارانه‌ی مدرن در مقام ساماندهی به زندگی اجتماعی باشد الزامات و ضوابط ناشی از آن نسبت به جامعه‌ی مبتنی بر ارزش‌ها و الگوهای دینی انسان متفاوتی را تربیت خواهد نمود.

در همین راستا نگاه هستی‌شناسی و انسان‌شناسی قانون اساسی که در اصل دوم در قالب پایه‌های ایمانی حکومت جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است و در مقام حقوقی‌سازی مفاهیم والای اعتقادی از جمله توحید، معاد، نبوت، امامت و عدل الهی است و نظامی سیاسی برآمده از آموزه‌های شریعت اسلام با اساسی‌سازی مفاهیمی همانند ولایت فقیه و قانون گذاری مبتنی بر شریعت را طراحی نموده است، به دنبال یک هدف کلان و بنیادین بوده و آن عبارتست از ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد و تکامل انسان در سیر حرکت به هدف نهایی خلقت و دستیابی به جایگاه خلیفه‌اللهی و به تعبیر دقیق‌تر تربیت انسان کامل. مقدمه قانون اساسی با تاکید بر این محور مبنایی مقرر می‌دارد: «حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید.» این امر فصل ممیزه میان رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکردهای قوانین اساسی مدرن از حیث انسان‌شناختی است و خط بطلانی بر رویکرد افرادی است که قانون به‌ویژه قانون اساسی را از توجه به باورهای اعتقادی تهی می‌دانند.

انسان قانون اساسی درعین آزادی، حاکمیت اختصاصی خداوند متعال به تشریع را نیز پذیرفته است و بر خلاف انسان دنیای مدرن خود را موجودی مسئول قلمداد می‌کند. انسان قانون اساسی نسبت به وضعیت نظامات اجتماعی خود بی‌تفاوت نبوده و مبتنی بر وظیفه‌ی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر به دنبال زدودن پلشتی‌ها از زندگی فردی و اجتماعی است. انسان برآمده از قانون اساسی مشارکت در ابعاد گوناگون زندگی از جمله ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را نزد خود فرض می‌دارد و معتقد است که نظام اسلامی باید با اتکا به آراء عمومی اداره شود؛ انسان تربیت شده در گفتمان قانون اساسی صرفاً نگاهی ملیت‌گرا و منفعت‌نگر نداشته و سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و همت خود را بر حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان مصروف می‌دارد. شاید بتوان گفت انسانی تراز قانون اساسی خود را در سیر عبودیت الهی قرار داده و به عنوان بنده خدا در زندگی فردی، در نظامات اجتماعی نیز به دنبال تحقق نظریه حاکمیت شریعت است.

دیدن معیارهای بیان شده و تطابق مصداقی آن، شهید حاج قاسم سلیمانی را به ذهن متبادر می‌نماید که تربیت شده‌ی واقعی گفتمان قانون اساسی جمهوری اسلامی است. به بیان دیگر الگوهای رفتاری طراحی شده در قانون اساسی و اثر تربیتی الزامات اساسی شده در آن تربیت انسان‌هایی در تراز حاج قاسم سلیمانی‌ها را رقم خواهد زد که هدف خود را منطبق بر هدف والای قانون اساسی یعنی تحقق حرکت به سوی الله ترسیم نموده و در مسیر این حرکت نیز منطبق با ضوابط و الزامات آن گام برخواهند داشت.

مجموعه حاضر مجموعه یادداشت‌های برگزیده‌ی اعضای باشگاه حقوق اساسی است که در فراخوانی به مناسبت دومین سالگرد انسان تراز قانون اساسی شهید حاج قاسم سلیمانی با موضوع شهید سلیمانی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با محورهای حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی، تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی، بایسته‌های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسی، بایسته‌های تحقق نظریه امت اسلامی در پرتو قانون اساسی و نقش شهید سلیمانی در تحقق اهداف قانون اساسی در حوزه سیاست خارجی برگزار گردیده و پس از انجام فرآیند داوری از میان ۴۰ اثر ارسالی مورد پذیرش قرار گرفته است.

باشد که در مسیر او باشیم و به دعای خیرش به او و یارانش ملحق شویم...

بخش
اول

حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی



امیر کشتگر

دانش آموخته مقطع دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران

یادداشت ۱

دکترین مسئولیت حمایت و گذار از تأخر گفتمانی در حمایت‌گرایی بین‌المللی ج.ا.ا

ایران در راستای حفظ امنیت جمعی منطقه‌ای متحمل شده، و از طرف دیگر جایگاه والای صیانت از حقوق دیگر ملت‌ها در قانون اساسی، گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جلوه‌ای سیاسی و امنیتی یافته است. این در حالی است که گفتمان حاکم بر سیاست خارجی بسیاری از دولت‌های مدرن را در سالیان اخیر موضوع دفاع از حقوق بشر شکل داده است. مطالعه در سیاست‌های اعمالی این دولت‌ها نشان می‌دهد حقوق بشر نه تنها دارای اولویت راهبردی نیست، بلکه ابزاری است که با توسل به آن، به تطمیع و انقیاد رقبای سیاسی در صف‌آرایی‌های بین‌المللی مبادرت می‌ورزند. تفوق رسانه‌ای این جریان بر افکار عمومی باعث شده است جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین عامل مقابله با فرقه‌گرایی و اقدامات تروریستی علیه کشورهای منطقه، به نقیض این موضوعات متهم گردد. در واقع فاتح جنگ اراده‌ها به دلیل ضعف در عرصه جنگ روایت‌ها به عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه و حمایت از تروریسم متهم گشت!

گفتار چهارم: به نظر می‌رسد یکی از عوامل مؤثر بر بروز این عارضه، فقدان چارچوب گفتمانی جامع و قابل‌ادراک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در واقع کنش حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی با هر میزان از اولویت و اهمیت، مادامی‌که در یک چارچوب گفتمانی جامع و منقح ارائه نگردد و اقدامات حمایتی صرفاً با اتکای به مواضع سیاسی و امنیتی پیش برود باعث می‌شود قدرت اقناع‌کنندگی تقلیل یابد. برای نمونه در سالیان گذشته یکی از چارچوب‌های گفتمانی که در راستای رسالت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از حقوق ملل مستضعف و مظلوم مورد توجه قرار گرفته است گفتمان «صدور انقلاب» بوده است. با وجود اینکه این تعبیر نزد اهل دقت و تفکر بر قدرت نرم انقلاب اسلامی اتکا دارد و مدلول حقیقی آن بیش از هر چه احیا و احقاق حقوق ملت‌های

گفتار نخست: سیاست خارجی پیوسته از پرچالش‌ترین حوزه‌های حکمرانی ج.ا.ا بوده است که موضوعات مختلف مرتبط با آن، مباحثات و مناقشات متعددی را در میان صاحب‌نظران سیاسی و حقوقی در پی داشته است. این چالش نیز از یک‌طرف از نظم لیبرالیستی حاکم بر نظام بین‌الملل و قواعد و هنجارهای برآمده از آن و از طرف دیگر از هویت اسلامی و دینی ج.ا.ا نشأت گرفته است. نقطه کانونی این چالش را می‌توان در «کنش حمایت‌گرانه ج.ا.ا در سیاست خارجی» دانست.

گفتار دوم: در سالیان اخیر مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای بوده است. در واقع ظهور گروه‌های تروریسم تکفیری تحت حمایت اراده‌های مستبد بین‌المللی و بروز فجایع بشری متعدد از سوی آنان باعث شد جمهوری اسلامی ایران به صورت فعال به مقابله سیاسی و نظامی با آنان برخیزد. این موضع جمهوری اسلامی ایران که پیشتر نیز در مناسبت‌های مختلف دنبال شده بود در انطباق کامل با موازین قانون اساسی و شریعت مقدس اسلامی قرار دارد. تصریح به موضوعاتی نظیر «استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان» در مقدمه قانون اساسی، «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» در بند ۱۶ از اصل ۳، «ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی» در اصل ۱۱ و تأکید بر «حق جامعه بشری در دستیابی به سعادت انسانی و شناسایی استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل برای همه مردم جهان، و همچنین حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» در اصل ۱۵۴ حکایت از اهمیت امنیت و حقوق انسانی در حکمرانی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران دارد.

گفتار سوم: با وجود هزینه‌های بسیاری که جمهوری اسلامی

شامل یک مسئولیت دوگانه است: هم توجه و احترام به حاکمیت دولت‌ها و هم لزوم تکریم به حقوق ملت‌ها.

ثالثاً) اگر دولتی در حفظ و پاسداری از حقوق بنیادین شهروندان خود عاجز باشند و یا اساساً تمایلی به این مهم نداشته باشند (نتوانند یا نخواهند) مسئولیت حمایت و حراست از امنیت انسانی به جامعه بین‌الملل محول می‌شود. بر اساس همین به‌عنوان مسئولیت ثانویه تعبیر می‌شود. بر اساس همین مؤلفه، موضوع حقوق بشر تنها یک مسئله داخلی در انحصار دولت‌ها نیست بلکه حقوق بشر هنجاری جهانی و همه‌نسبت به آن دارای مسئولیت جمعی و مشترک هستند.

رابعاً) جرائم موضوع مسئولیت حمایت مطلق جرائم ضد حقوق بشر نیستند بلکه حادث‌ترین نوع آن‌ها است که عبارت‌اند از: -جرائم علیه بشریت - جرائم جنگی - نسل‌زدایی - پاک‌سازی قومی و نژادی.

خامساً) مسئولیت حمایت «دارای مراتب مختلف با اولویت رویکردهای بازدارنده و پیشگیرانه» است. بر این اساس مراتب مسئولیت حمایت عبارت‌اند از:

الف) مسئولیت پیشگیری؛ در واقع برخلاف مداخله بشردوستانه که بر عامل نظامی و قهری متکی است مسئولیت حمایت بر رویکردهای بازدارنده اتکا دارد. ب) مسئولیت واکنش؛ که اگر اقدامات بازدارنده مؤثر نباشد جامعه بین‌الملل موظف است جهت کنترل اقدامات جنایت‌آمیز مداخله کند. ج) مسئولیت بازسازی؛ به این معنا وقتی یک محاصره و اقدام ضد حقوق بشری مهلک پایان پذیرفت جهت التیام قربانیان و مصدومان لازم است به ترمیم و بازسازی آن همت گماشت.

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: عسگری، یداله، مسئولیت حمایت: تحول حاکمیت در پرتو جنبش‌های حقوق بشری، میزان، ۱۳۹۶.

مستضعف است، به دلیل القائات نادرست سیاستمداران و رسانه‌های بین‌المللی، این موضوع را عاملی برای تشویش و تنش معرفی نموده و بسیاری از اذهان بین‌المللی نیز چنین مضمونی را از این گفتمان متعالی برداشت می‌کند.

گفتار پنجم: فقدان چارچوب گفتمانی مناسب برای تبیین کنش حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای که در ضمن تقارن و تناسب حداکثری با موازین اسلامی و قانون اساسی، بتواند قدرت اقناع‌کنندگی لازم را داشته باشد و افکار عمومی متنوع آن را ادراک نماید و در فهم آن دچار سوءبرداشت نگردد، وضعیتی را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رقم‌زده است که می‌توانیم از آن به «تأخر گفتمانی» تعبیر نماییم. رفع این عارضه، مستلزم بررسی هنجارها و قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی است که بیشترین تقارن و تناسب مفهومی را با فراملی‌گرایی ج.ا.ا. در حمایت از مستضعفین و مظلومین دارد. به نظر می‌رسد می‌توان این ضعف را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های برخی هنجارهای نوظهور حقوق بشری برطرف کرد.

گفتار ششم: بدون اینکه در مقام برقراری رابطه این‌همانی میان راهبردهای تعالی‌بخش اسلام و هنجارهای تکوین یافته در بستر فرهنگ سیاسی غرب مدرن باشیم، می‌توان مدعی شد «دکترین مسئولیت حمایت» همان گفتمان قابل‌ادراک و مفاهمه برای افکار عمومی جهان و حقوق‌دانان بین‌المللی تلقی می‌شود، که از بیشترین ظرفیت برای جامه عمل پوشاندن به راهبرد حمایت‌گرایانه در سیاست خارجی ج.ا.ا. برخوردار است. بررسی اجزاء، ارکان و عناصر این هنجار نوظهور نشان می‌دهد مبنای مزبور بیشترین قرابت مفهومی جهت صورت‌بندی مسئولیت فراملی جمهوری اسلامی ایران در قبال مستضعفین را داراست.

گفتار هفتم: با پویایی تاریخی در اسناد بین‌المللی منتشرشده پیرامون نظریه مسئولیت حمایت می‌توان به ویژگی‌ها و قابلیت‌های این هنجار پی برد. این مؤلفه‌های را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

اولاً) این دکترین گفتمان دفاع از حقوق بشر را در حقوق بین‌الملل ارتقا بخشید. توضیح اینکه تا پیش از دکترین مسئولیت حمایت، نهاد مداخله بشردوستانه جهت مقابله با نقض فاحش حقوق بشر کاربرد داشت. با توجه به ناکارآمدی این نهاد، دکترین مسئولیت حمایت مطرح شد و به‌موجب آن «حق مداخله» به «مسئولیت حمایت» جایگزین شد. بر اساس این طرح مسئولیت اولیه تضمین حقوق بشر بر عهده خود دولت‌هاست. نهایتاً اینکه مهم‌ترین دستاورد این نظریه، اولویت یافتن امنیت انسانی بر امنیت دولت‌ها بوده است.

ثانیاً) شناسایی مبنای «حاکمیت به‌مثابه مسئولیت» (sovereignty as responsibility) به‌جای «حاکمیت به‌مثابه حق و امتیاز» (sovereignty as right). برخلاف حقوق بین‌الملل کلاسیک، به‌موجب این دکترین حکومت حق دولت‌ها نیست که حق هرگونه تصرفی در آن داشته باشند و یا هرگونه مواجهه‌ای که می‌خواهند با شهروندان داشته باشند. بلکه مسئولیت اولیه تضمین حقوق بنیادین انسان‌ها بر عهده دولت‌های آنان است و باید نسبت به این موضوع پاسخگو باشند. بر اساس این مبنا دوگانه حاکمیت و انسانیت کنار می‌رود و به‌طور کلی معیار مشروعیت دولت‌ها تقید آن‌ها به رعایت موازین حقوق بشری است. درواقع مسئولیت حمایت



کیان بیگلری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

یادداشت ۲

بررسی حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی و اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل

اسلامی و حماس و... محور مقاومت دانسته می‌شوند. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب به صراحت به نقش والای انقلاب اسلامی در مواجهه با مستکبران عالم و شکل‌گیری جریان مقاومت اشاره فرموده و بیان داشته‌اند که ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

امروزه بیشتر برنامه‌های استکبار جهانی در منطقه با شکست روبرو شده است و نقش شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی را در پیروزی‌های جبهه مقاومت در مبارزه با استکبار جهانی و

قانون اساسی مهم‌ترین سند سیاسی و حقوقی یک کشور و متضمن عالی‌ترین قواعدی است که از یک سو اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و کیفیت توزیع قدرت در میان افراد و نهادهای تبیین می‌کند و از سوی دیگر در مقام تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان برمی‌آید و تمامی اعضای یک کشور ملزم به احترام و اجرای اصول مندرج در قانون اساسی می‌باشند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کلی سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ترسیم شده است که از آن جمله به مقدمه، اصل ۳ (بند ۱۶)، اصل ۱۱ و فصل دهم تحت عنوان سیاست خارجی (اصول ۱۵۲-۱۵۵) می‌توان اشاره نمود. با توجه به اصول مذکور قانون اساسی، همه مسلمانان یک امت هستند و جمهوری اسلامی ایران باید مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین را در هر نقطه از جهان مورد حمایت قرار دهد و سیاست کلی خود را نیز بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اولین قانون اساسی در جهان است که آرمان تحقق سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را سرلوحه‌ی خویش قرار داده و اصول سیاست خارجی ایران را بر نجات ملل محروم و مورد ستم و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان استوار کرده است. یکی از مواردی که در راستای تحقق اصول مذکور قانون اساسی، محور مقاومت است.

محور مقاومت یا جبهه مقاومت، به مجموعه‌ای از کشورها و همچنین گروه‌های نظامی مسلمان گفته می‌شود که هدف آن‌ها پایان دادن به تسلط غرب در منطقه خاورمیانه، مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از آزادی فلسطین است. دولت‌های ایران، سوریه و عراق، حزب‌الله لبنان، تیپ فاطمیون افغانستان، انصار الله یمن، گروه‌های مقاومت در فلسطین مانند جهاد



رسمی با مقامات عراقی به آن کشور سفر کرده بودند ترور کند، اما اشتباه این کشورها در این است که با ترور شهید سلیمانی، نگرش و راه او از بین نخواهد رفت. خطمشی شهید سلیمانی و ابو مهدی المهندس، فرهنگ و خطمشی محور مقاومت و جهاد است و این فرهنگ ادامه خواهد داشت و بی شک سرنوشت آن پیروزی است و دشمنان باید هر روز آماده شکست‌های بیشتر در منطقه باشند.

لازم به ذکر است که اقدامات صورت گرفته از سوی شهید سلیمانی کاملاً مطابق با اصول و اهداف قانون اساسی جمهوری اسلامی است. اما ممکن است در این خصوص تعارضی بین قانون اساسی و حقوق بین‌الملل حادث شود؛ زیرا از سویی اصل ۱۵۴ قانون اساسی از تعهد جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مبارزات حق‌طلبانه‌ی مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه‌ی عالم سخن می‌گوید و از سوی دیگر، اصل عدم‌مداخله در امور داخلی دولت‌ها از جمله اصول بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر است که دولت جمهوری اسلامی خود را متعهد بدان می‌داند.

اصل عدم‌مداخله بر اساس قطعنامه‌ی ۲۶۲۵ مجمع عمومی ملل متحد «اعلامیه‌ی اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری بین کشورها بر طبق منشور ملل متحد» بدین معنا است که، اصل عدم‌مداخله دولت‌ها را مکلف می‌سازد که در امور هیچ دولت دیگری مداخله نکنند. یعنی هیچ دولت و یا گروهی از دولت‌ها حق ندارند به هر علتی که باشد، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در امور داخلی و یا خارجی یک کشور دیگر مداخله کنند. در نتیجه مداخله‌ی نظامی و هرگونه مداخله‌ی دیگر، یا تهدید علیه شخصیت یک دولت یا علیه بنیادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک دولت نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند.

صهیونیسم بین‌الملل نمی‌توان به‌هیچ‌وجه نادیده گرفت و همچنین لازم به ذکر است که شهید سلیمانی تنها یک فرمانده نبود بلکه او نماد محور مقاومت بود. شهید سلیمانی با داشتن تفکری نظامی، اندیشه‌ی استراتژیک و به‌مانند یک دیپلمات زیرک به‌عنوان نیروی فعال در سیاست خارجی کشورمان نقشی مهم ایفا می‌کرد و موفقیت‌های سیاست خارجی کشورمان در منطقه مرهون تلاش‌ها و مجاهدت‌های این شهید بزرگوار و یارانش است و بدون تردید شهید سلیمانی مرد میدان بود. اما نکته‌ای که باید از اخلاق و روش شهید سلیمانی یاد کنیم و به‌عنوان یک الگو، در بین مسئولان و خدمتگزاران نظام قرار گیر، مردمی بودن وی بود. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند، شهید سلیمانی به‌عنوان یک اندیشه و تفکر مطرح می‌باشد و باید تلاش شود این تفکر هرچه بیشتر و بهتر در جامعه ترویج و گسترش یابد. برنامه‌ها و تدابیر شهید سلیمانی و همراهانش منجر به این شد که گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه از بین رود و از وی به‌عنوان نمادی از مبارزه به تروریسم در جهان مطرح شود. شهید سلیمانی توانسته بود استراتژی جمهوری اسلامی یعنی کمک به گروه‌های مبارز علیه رژیم اشغالگر قدس که از اصول ذکر شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد را به‌خوبی دنبال کرده و هر روز در این مسیر گام‌های دیگری بردارد. جای تردید نیست که این موضوع خلاف خواست آمریکا و رژیم صهیونیستی است ولی با فرماندهی شهید سلیمانی در عمق میدان و تشکیل بسیج مردمی در سوریه و عراق این موضوع به واقعیت بدل گشت و اتحادی از جنس پاسداران، فاطمیون، زینبیون، حیدریون و... ایجاد کرد. با حضور جبهه مقاومت و عملیات و پیروزی‌های پی‌درپی این جبهه، اسرائیل مجبور شده است دور خودش دیوار بکشد، چراکه می‌داند از بین خواهد رفت. به همین دلیل در ۱۳ دی ۱۳۹۸، ارتش ایالات متحده، شهید سلیمانی را به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، در عملیات آذرخش کبود هنگام خروج از فرودگاه بین‌المللی بغداد که برای دیدارهای



اعمال متخلفانه ۲۰۰۱، هرگاه کشوری به انجام عمل متخلفانه بین‌المللی علیه خود رضایت دهد، عامل در مقابل آن کشور دیگر مسئول نخواهد بود، زیرا رضایت آن کشور مانع متخلفانه دانستن آن عمل می‌شود. پس اگر کشوری از کشور دیگر بخواهد در کشورش، پایگاه نظامی مستقر کند و یا نیروهای نظامی‌اش را به آن کشور ارسال کند، برابر رضایت داده‌شده، عمل متخلفانه بین‌المللی محقق نشده است. در نتیجه، حضور جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه، به علت رضایت داده‌شده و درخواست رسمی آن کشورها، وصف متخلفانه عمل زایل می‌شود و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند وارد آن کشورها شود و دست به اقدامات نظامی در جهت کمک به آن‌ها بزند.

در نتیجه گیری نهایی، در واقع ایران به عنوان یک عضو سازمان ملل متحد، در راستای حمایت از مستضعفان، آن دسته از حقوق و تکالیف حمایتی را اتخاذ می‌کند که حقوق بین‌الملل در حدود اهداف منشور ملل متحد مورد اشاره قرار داده است و اقدامات جمهوری اسلامی ایران با رهبری شهید سلیمانی در محور مقاومت نه تنها مخالف حقوق داخلی و بین‌المللی نمی‌باشد بلکه مطابق اصول ملل متحد و در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی هست.

در خصوص عدم مداخله باید به ۲ مورد توجه کرد؛ یکی مشروعیت مبارزات نهضت‌های آزادی‌بخش در حقوق بین‌الملل و دیگری عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی.

بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: «همه‌ی ملت‌ها دارای حق تعیین سرنوشت هستند و به موجب آن می‌توانند آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تأمین کنند.» باید توجه داشت که اصل حق تعیین سرنوشت باید با رعایت اصول حقوق بین‌الملل از جمله اصل عدم مداخله اعمال شود. با توجه به مشروعیت مبارزات نهضت‌های آزادی‌بخش در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت، حقوق بین‌الملل وضعیت حقوقی خاصی برای این افراد از حیث مداخله جهت کمک به آن‌ها در نظر گرفته است. برای مثال، قطعنامه‌ی ۲۶۲۵ مجمع عمومی مقرر می‌دارد: «مردم خواهان حق تعیین سرنوشت در راستای مقاومت خویش در برابر اقدامات زورمدارانه‌ای که مانع احقاق حق آن‌هاست، می‌توانند در چارچوب منشور و مطابق اصول حقوق بین‌الملل، حمایت‌های خارجی را بطلبند.» بنابراین اقدامات محور مقاومت مطابق حق تعیین سرنوشت و حقوق بین‌الملل است.

همچنین در خصوص عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی باید گفت که، بر طبق ماده‌ی ۱ پیش‌نویس مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه، کشورها با انجام هر عمل متخلفانه‌ای مسئولیت بین‌المللی دارند و بر اساس ماده ۲ هنگامی که این فعل یا ترک فعل قابل انتساب و نقض تعهد بین‌المللی آن‌ها باشد، مسئولیت بین‌المللی خواهند داشت. اما شرایط، وضعیت‌ها، دلایل و یا اسبابی وجود دارند که در صورت حدوث آن‌ها، وصف متخلفانه بودن عمل که ناشی از نقض تعهد بین‌المللی طبق حقوق بین‌الملل است، از بین می‌رود. به‌طور مثال، بر طبق ماده ۲۰ پیش‌نویس مسئولیت کشورها در برابر



حامد زینالی

کارشناس ارشد حقوق عمومی

یادداشت ۳

ایران قربانی تروریسم



و هزاران مورد همچنین، مصداق بارز "ترورهای هدفمند" هستند که با همکاری سرویس‌های امنیتی بیگانه به‌ویژه اسرائیل و آمریکا صورت گرفته‌اند. افزون بر منافقین کوردل، گروه‌های معاند و معارض تروریستی دیگری همچون حزب توده، گروهک دمکرات، گروه جندالله (معروف به ریگی)، گروهک پژاک، کومله، تندر، و... نیز با قساوت و بی‌رحمی دست به اقدامات تروریستی متعددی زده و زخم‌های زیادی بر پیکره ملت ایران وارد آوردند.

مبارزه با پدیده‌ای تروریسم به یک امر مبتلابه نظام بین‌المللی مبدل گردیده است؛ چراکه وضعیت نابسامان ناشی از وقوع آن نه‌تنها موجب خدشه‌دار شدن امنیت انسانی شده، بلکه صلح و امنیت ملی و بین‌المللی را مورد همه‌ی خود قرار داده است. بنابراین با چنین شرایطی به نظر می‌رسد تنها عزم راسخ جهانی می‌تواند به‌مثابه راهبردی ویژه در مبارزه با تروریسم تلقی گردیده و موجبات رفع شکاف‌های موجود در این رابطه باشد. باین‌حال، یکی از مسائلی که همیشه از

از نخستین روزهای وقوع پیروزی انقلاب اسلامی و به هم خوردن معادلات غربی، ایران آماج کینه و خصومت سلطه غرب و عمال وابسته به آن‌ها و قربانی حوادث تروریستی متعددی بوده است. گروهک منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با ادعای پوچ سهم خواهی به مخالفت با جمهوری اسلامی پرداخت و با ترور ناکام رئیس‌جمهوری وقت، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای؛ ترور شهید آیت‌الله بهشتی و شهادت ۷۲ تن از نمایندگان مجلس، دولتمردان و سیاستمداران در یک بمب‌گذاری در سال ۱۳۶۰ و سپس در ۸ شهریور ترور و شهادت رئیس‌جمهوری (شهید رجایی) و نخست‌وزیر (شهید باهنر) و ... موجی از نفرت و انزجار در کشور بر ضد اقدامات ددمنشانه گروهک‌های تروریستی ایجاد کرد. تروریسم علیه ایران پدیده‌ای بدون مرز بوده و تمام آحاد ملت را در بر گرفته است؛ از دولتمردان تا مردمان عادی، سیاستمداران، عالمان و دانشمندان، زنان و کودکان بی‌پناه، مرزداران، دانشگاهیان و روحانیون، اهل سنت و شیعه در لیست ترور جای دارند. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۱۷ هزار ایرانی قربانی ترور شده‌اند؛ از ترور و به شهادت رساندن شخصیت‌های تراز اول کشور در نخستین ماه‌ها و مهر و موم‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حمله موشکی به هواپیمای مسافربری، حمله تروریستی به نیروهای مرزبانی، حمله تروریستی علیه مردم در حاشیه مراسم رژه هفته دفاع مقدس، حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی، ترور سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی و غیره که ۳۵ گروه تروریستی در به شهادت رساندن این تعداد ایرانی نقش داشته‌اند که سهم گروه تروریستی منافقین از این تعداد بیش از ۱۲ هزار شهید به عبارتی ۷۰ درصد قربانیان ترور بوده است. ترور نمایندگان ولی‌فقیه در شهرهای مختلف و برخی از مسئولان دولتی و قضائی؛ ترور شخصیت‌هایی همچون امیرسپهبد علی صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی ارتش در دهه هفتاد و دست داشتن در ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

آورده است.

جمهوری اسلامی ایران با اقدامی ابتکاری، مخصوصاً در دهه اخیر، راهبردی را برای مقابله با تروریسم در پیش گرفته است که در ضمن مقابله با ریشه‌ها و مبادی فکری و اعتقادی تروریسم و تلاش برای خشکاندن ریشه‌ها و علل تروریسم، به‌طور هم‌زمان به‌صورت تاکتیکی و عملیاتی با مظاهر تروریسم هم مقابله نموده است و از گسترش و بسط اقدامات تروریستی جلوگیری نموده است و در این زمینه با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و مبادی اجرایی آن‌ها همچون اینترپل و پلیس بین‌الملل هم همکاری‌های گسترده‌ای داشته است. بنابراین، مقابله با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران، تحت لوای راهبردهای مذهب شیعه، مورد بررسی مقابله با آن و با توجه به دین مبین اسلام مخصوصاً و تحلیل قرار گرفت و می‌توان نتیجه گرفت که تروریسم و اقدامات تروریستی هرچه هست، معلول است و نه علت؛ لذا مقابله با تروریسم نیز باید معطوف به از خود تروریسم؛ خشکاندن بین بردن علت‌ها و ریشه‌های تروریسم باشد نه صرفاً ریشه‌های تروریسم هم مستلزم بازنگری در شیوه‌های مبارزه و توجه به حقوق اساسی بشر در عین عدالت و برابری همه کشورها، به‌ویژه شناسایی ریشه‌ها و عوامل موجد تروریسم است. همچنین، در جمهوری اسلامی ایران و از نظر رهبران آن، تروریسم به دلیل اینکه یکی از جدی‌ترین و بلکه خطرناک‌ترین مظاهر تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود؛ در همه اشکال و مظاهر آن، از سوی هرکسی، هرکجا و برای هر هدف و مقصودی که باشد، مطرود و محکوم است. از این‌روست که تکنیک تروریسم به تروریسم خوب و تروریسم بد بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف و پاشنه آشیل هرگونه راهبردی در مسیر مبارزه و مقابله با این پدیده شوم و نفرت‌انگیز است؛ اما نباید فراموش کنیم که بحث تروریسم، تا وقتی که یک تعریف و مفهوم مشخص و جامع نداشته باشد و ابعاد آن به‌درستی روشن نشده باشد، همچنان به‌طور گسترده ادامه داشته و شاید هرروز قربانیان بیشتری را فدای منافع و مصالح ویژه برخی کشورهای منفعت‌طلب نماید. البته لازم است تأکید شود که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم، مانند برخی کشورهای قدرت‌طلب و استعمارگر که به بهانه مبارزه با تروریسم خود عامل و مبنای اقدامات تروریستی شده‌اند و به تروریسم دامن می‌زنند، نبوده و ایران اسلامی به دنبال این است با محوریت دین مبین اسلام که آزادی و کرامت انسانی را مبنای قرار داده و همه انسان‌ها را به این ارزش‌ها دعوت نموده است، به جامعه‌ای پراز صلح، دوستی، برابری، عدالت، آزادی، امنیت و پایبند به ارزش‌های اسلامی و انسانی نائل شود و بشریت را از این وضعیت نابسامان که خون انسان‌های بی‌گناه و مدافع حقوق اساسی خود، به‌ناحق بر زمین ریخته و هیچ‌کس هم اجازه خون‌خواهی و اعتراض به اقدامات آنان را ندارد، نجات دهد.

دید اذهان جهانی مورد اهتمام بوده و متأسفانه هیچ‌گونه هنجار مؤثری در مبارزه با نقض آن مقرر نگردیده، مسئله‌ی «صلح عادلانه جهانی» هست که با تهدیدات ناشی از ارتکاب اقدامات تروریستی اغلب با چالش‌هایی مواجه است. از این‌رو، تحقق صلح عادلانه‌ی جهانی زمانی قابل‌دسترسی است که در بسیاری از چالش‌های بین‌المللی به‌ویژه تهدیدات ناشی از تروریسم، دولت‌ها ضمن توافق نظر در امر مبارزه، و ضمن مساعدت و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، شکاف موجود را از طریق اجماع در پذیرش اسناد بین‌المللی در نیل به جهانی عاری از هرگونه ناامنی و تهدید مرتفع کنند. به‌علاوه، امروزه تحقق صلح عادلانه‌ی جهانی به‌مثابه حلقه‌ی مفقوده در چالش‌ها و هنجارهای بین‌المللی مستلزم توجه بیش‌ازپیش به آن است که این امر نه‌تنها موجب رفع ناهنجاری‌های ملی و بین‌المللی بوده، بلکه با اجرای آرمان‌ها و اصول مقرر در منشور ملل متحد شرایط تحقق صلح عادلانه‌ی جهانی را فراهم می‌آورد. همچنین، لازم به ذکر است در این راستا نظام اسلامی به دلیل عدالت‌محور بودن آموزه‌های متقن خود، دارای راهبردهایی جهت استقرار صلح عادلانه بوده که به‌عنوان غایت و هدف در تعیین شیوه‌ها و مجاری تنظیم روابط جمعی به شمار می‌آید و از نظر تحلیلی جلوه‌ای بارز در تبیین و تصدیق گفتمان صلح عادلانه محسوب می‌گردد. از این‌رو، صلح عادلانه‌ی جهانی در صورت اتکا بر پایه آموزه‌های اسلام به‌مثابه صلح اسلامی تلقی شده که رسالتی فراگیر در کل جامعه بشری دارد در پیشبرد صلح عادلانه جهانی می‌توان از مکتب قهرمان ماندگار حاج قاسم سلیمانی بهره جست.

مکتب حاج قاسم سلیمانی ضرورت امروز دنیاست و از آن می‌توان به‌عنوان الگوی عملی در کلیه بخش‌ها من جمله مدیریتی و اجرایی بهره برد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مکتب حاج قاسم از منش و رفتار سرداری می‌گوید که نمونه یک انسان مؤمن عاشق است، سرداری که خالصانه عاشق شهادت و ولایت بود، خود را سرباز ولایت می‌دانست و تمام زندگی‌اش را وقف خدا و خدمت به مردم کرده بود. نتیجه آنکه، شهید سپهبد قاسم سلیمانی امروز فقط یک فرمانده نیست که یک اسطوره بزرگ است؛ اسطوره مقاومت در برابر ظلم و ظالم، اسوه اخلاص و کار بی‌منت برای خدا، سرمشق تلاش، ساده زیستی، شجاعت، مجاهدت و خدمتگزاری به مردم و قهرمان مبارزه در راه آرمان، بی‌آنکه از «غیر خدا» ترسی داشته باشد.

پدیده تروریسم در جهان در حال گسترش است و سیاست جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. این پدیده، به‌عنوان پدیده جایگزین در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... عمل می‌کند و زندگی سیاسی را به چالش می‌کشد. البته تروریسم به اشکال مختلف از زمانه‌ای قدیم و متناسب با نظام‌های سیاسی حاکم بر جوامع، از نظام‌های سیاسی سنتی امپراتوری، ارباب‌رعی و ... گرفته تا دوران مدرن (دولت‌های مدرن مطلقه، توتالیتار، نظام‌های دموکراتیک و ...) اتفاق می‌افتاده است لکن امروزه به دلیل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و فناوریانه خاص حاکم بر جهان و مخصوصاً در شرایط عدم توسل واحدهای سیاسی به جنگ‌ها و برخوردهای تمام‌عیار به دلیل ترس از گسترش آن به سطح برخوردهای هسته‌ای، وضعیت خطرناکی را به وجود



حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی

عدل را حق همه مردمان جهان می‌داند یعنی در بحث کمک بین مسلمان و غیرمسلمان فرق نمی‌گذارد و تأکید می‌کند از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان حمایت می‌کند دقت کرده باشید قانون‌گذار اصول را بر اساس حقوق بشر در اسلام و از ارزش‌هایش در سیاست خارجی از منظر اسلام حرف گفته‌شده طراحی کرده است

اگر به قانون اساسی بنگریم می‌بینیم که با اصول چهارگانه زیرساخت‌ها جهت حمایت از مستضعفین جهان پی‌ریزی شده و هیچ ابهام گذاشته نشده و مقصود قانون‌گذار شفاف صریح ریل‌گذاری شده و از کلمات کلیدی استفاده کرده تا قوه مقننه در تفسیر این اصول به مشکل نخورد و راه را باز کند تا دولت به معنای قوه مجریه دستش باز باشد به‌طور قانونی حمایت‌های لازم و کافی را از محور مقاومت انجام دهد تا بتواند با هدایت تفکر مقاومت و اشاعه به کشورهای اسلامی منطقه، هر کشوری در مقابل استکبار جهانی از ابعاد مختلف مقاومت کند

ملت مسلمان ایران در استبداد و ظلم شاهان وابسته به اجانب خارجی بودند که در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی دست به انقلاب زدند و پس از گذر از آن دوران در سال ۲۴ زیان ۱۳۵۸ دست به تدوین قانون اساسی زدند تا خواسته‌های قلبی خود را انعکاس و به اجرا درآورند.

مردم ایران چون خودشان ظلم بیگانگان در حق کشورشان چشیده‌اند از جمله قراردادهای ننگین ترکمانچای، اخال، پاریس و... یکی از خواسته‌هایشان اضافه کردن اصول حمایت و کمک به مستضعفین جهان علیه استکبار جهانی بود و در اصول ۲ قانون اساسی که از پایه‌های ایمان جمهوری اسلامی صحبت کرده که به آن‌ها اعتقاد دارد در بند ۱۶ همین اصل از معیار اسلامی تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت‌های بی‌دریغ از مستضعفان عالم قلم انگاشته شده یعنی جزو اعتقادات پایه و بنیادین است آورده شده همه مسلمانان یک امت هستند و جمهوری «ان‌هذه امتکم امه واحده و ان‌ا ربکم فاعبدون» و در اصل ۱۱، از آیه اسلامی موظف است سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق ببخشد به عبارتی در این اصل به کوشش پیگیری اذعان کرده که باید به اعتقاداتش جامه عملی ببوشاند توجه ما درجایی جلب می‌شود علاوه بر اینکه ۲ اصل کافی برای حمایت‌های قانونی آورده شده قانون‌گذار به این‌ها اکتفا نکرده بلکه یک فصل مجزا به عنوان سیاست خارجی آورده که کار از محکم‌کاری عیب نکند از جمله اصول ۱۵۲ که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گرو روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است یا اصل ۱۵۴ که از آرمان‌هایش یعنی سعادت انسان در کل جامعه بشری بحث می‌کند و استقلال و آزادی حکومت حق و



بخش
دوم

تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی



سعید زینالی شاعر

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

یادداشت ۵

تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی

(تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان) را وظیفه خود دانسته و به‌عنوان برادر به حقوق دیگر مسلمانان نیز احترام گذاشته و در جهت محافظت از آن به‌عنوان وظیفه اصلی خود برمی‌آید.

با مدنظر قراردادن مواردی که ذکر شد و همچنین با استناد به اصل یکصد و پنجاه و چهارم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این مهم قابل‌برداشت است که اولاً در ابتدای این اصل واژه سعادت انسان آورده شده است که کاملاً اشاره به حقوق بشر داشته و حفظ حقوق بشر در کلیه جوامع بشری را وظیفه ذاتی خود دانسته است که مهم‌تر از آن مورد، استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد که این اصل علاوه بر حمایت از حقوق بشر، استقلال و برقراری حکومتی عادلانه را نیز حق همه بشریت در جهان دانسته است، ولی مهم‌تر این مورد است که جمهوری اسلامی ایران بدون دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، به حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت لازم را می‌کند، زیرا همان‌طور که در مقدمه یادداشت مذکور ذکر شد، کشورهای غربی به انحاء گوناگون و با توسل به نیروی نظامی و از بین بردن آرامش از مستضعفین، در جهت به‌استعمار درآوردن کشورهای مستضعف جهان بوده‌اند، که جمهوری اسلامی ایران برای حفظ این حقوق و دفاع از برادران مسلمان خود در این خصوص خود را آماده‌بیکار با مستکبران و ظالمین که به‌روش‌های گوناگون از جمله اقدامات اقتصادی، اجتماعی، فکری، فرهنگی و ... توسل جسته‌اند، می‌داند و همچنین قرآن مجید نیز در سوره نساء، آیه ۹۷ مؤمنان را دعوت به مبارزه و جهاد در راه مستضعفان کرده است.

علاوه بر موارد فوق، می‌توان این‌گونه گفت که حتی خواستگاه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی نیز، همان

با نگاهی به تاریخ کشورهای اسلامی متوجه این موضوع می‌شویم که در گذشته کشورهای مسلمان امروزی تحت سلطه و استعمار غرب بوده‌اند ولی بعداً مسلمانان، آرام ننشسته و به مبارزه بابتی عدالتی و استعمار گران پرداختند و سرانجام موفق شدند که مستقل شده و به آن ارزش ذاتی که در اسلام و مسلمانان نهفته بود دست یابند که در این خصوص می‌توان از ایجاد سازمان اجلاس اسلامی نام برد که هدف از تشکیل آن سازمان، همبستگی و ایجاد اتحاد بین دول اسلامی، عدالت‌خواهی در زمینه‌ی حقوق ملی مسلمانان، و بسیاری از اهداف دیگر، که این سازمان آن را سرلوحه خود قرار داده است و نمونه‌ای از اقدامات این سازمان که به حمایت از آن بر خواسته است، حمایت از دفاع ملت مسلمان بوسنی-هرزه‌گوین در جنگ بالکان را می‌توان نام برد.

یکی از حقوق اولیه هر انسانی که از آن برخوردار بوده و خداوند این نعمت را بر او ارزانی داشته است، حق حیات هست که بشر خود، بالفطره از این حقوق برخوردار هست و این نعمت الهی را انسان‌ها نمی‌توانند از همدیگر سلب کنند بلکه باید در جهت تقویت زیرساخت‌ها و ریشه‌های آن برآیند تا این امانت الهی به شکل بهتر حفظ بشود ولی دیده می‌شود که کشورهای غربی مثل آمریکا درصدد به سلطه درآوردن کشورهای کوچک اقدام به اشغال آن‌ها می‌نمایند و در این مسیر هم حتی مرتکب جنایت‌های غیرانسانی و کشتار جمعی نیز می‌شوند که در این خصوص وظیفه هر انسانی است که جدای از وابستگی به موارد دیگر، به دفاع از هم‌نوعان خود بپردازند که در این خصوص هم جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت تمام دربند ۱۶ از اصل دوم قانون اساسی که مادر تمامی قوانین بوده و در همه حال باید رعایت شود و شورای محترم نگهبان نیز وظیفه پاسداشت از این اصول مهم را بر عهده‌دارند که در هر صورتی این اصول باید رعایت شوند که جمهوری اسلامی ایران



مبارزه علیه استعمار بوده است که اکنون به شکل کنونی خود درآمده‌اند، نمونه مجاهدت در برابر استکبارگران، سرزمین فلسطین می‌باشد که چندین سال است ظلم و ستم علیه مسلمین این سرزمین در حال انجام است ولی با بیداری ملت مؤمن و مسلمین جهان، این مورد تحقق نیافته و نخواهد یافت.

در این خصوص و مهم‌ترین بخش از یادداشت می‌توان از رشادت‌های سردار بزرگ اسلام شهید قاسم سلیمانی نام برد، ایشان بارها و بارها همان‌طور که به‌وضوح مشخص است، در نبرد جبهه علیه دشمن حضور داشته و رشادت‌های عظیمی انجام داده‌اند. عاملین ایجاد گروه تروریستی داعش که یکی از عوامل آن آمریکا می‌باشد که با قصد اشغال کشورهای مسلمان‌نشین سعی در به سلطه درآوردن آن‌ها می‌نمودند ولی ایشان در جبهه حق و به دفاع از حقوق بشر و دفاع از حقوق مسلمین و ملت مسلمان و به‌عنوان مدافع حرم برخاستند و اقدامات مهمی در این زمینه انجام دادند به‌طوری‌که باعث ضعیف شدن داعش در منطقه شده و آرامش را به کشورهای اسلامی بخشیدند که هرچه از رشادت‌های شهید سلیمانی بنویسیم باز هم کمتر گفته‌ایم.



علیرضا جعفرزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران- پردیس فارابی

یادداشت ۶

نگاهی به جایگاه اصل «لزوم حمایت از مستضعف» در اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اسلامی حقیقی، که بر مبنای وحی عمل می‌کند با غیر آن را ذکر کنیم همین است که دولت مزبور حاضر نمی‌شود حقوق مظلومین را فدای اهداف دیگر خود کند هرچند که از این پایبندی متضرر شود. مرحوم علامه مجلسی (ره) نقل کرده است که: «مهم‌ترین چیزی که سبب شد عرب از حمایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خودداری کند امور مالی بود. چرا که آن حضرت هرگز شریفی را بر غیر شریف و عربی را بر عجم ترجیح نمی‌داد و برای رؤسا و امرای قبایل حساب خاصی، آن‌چنان‌که سیره سلاطین بود، نمی‌گشود و هیچ‌کس را به وسیله مال، به سوی خودش متوجه نمی‌ساخت، درحالی‌که معاویه کاملاً برعکس این معنا عمل می‌کرد» (۴)

بنابراین حکومتی به معنای حقیقی اسلامی است که در قاموس ایدئولوژی آن حمایت از مستضعف از بالاترین جایگاه و اهمیت برخوردار باشد. این حمایت نه تنها محدود به مستضعف تحت لوای حکومت اسلامی نیست بلکه حتی انحصار در مستضعف مسلمان نیز ندارد و دایره آن بسیار عام و دربرگیرنده همه مظلومان عالم است زیرا مستضعف یعنی کسی که بر اثر مظلالم و ستم‌های ظالمان و مستکبران از جهات اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، فکری، فرهنگی و سیاسی در فشار قرار گرفته و تضعیف شده است و قادر به اتخاذ تصمیم شایسته پیرامون حیات و سرنوشت خود نیست (۵) بنابراین قید ایمان یا اسلام در استضعاف ملاک در احتساب نیست.

جمهوری اسلامی ایران که حکومتی مبتنی بر اسلام ناب محمدی و راه، روش و منش علوی شناخته می‌شود نیز در راستای بنیادین نمودن «لزوم حمایت از مستضعف» به اساسی سازی این مهم در نظام قانونی خود مبادرت ورزیده است. در مقدمه قانون اساسی، محتوای انقلاب اسلامی «حرکت برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین» دانسته شده است و سپردن سرنوشت مردم به دست خود ایشان و فراهم‌آوری مشارکت

یکی از اصول مترقی و بنیادین در دین مبین اسلام، اصل «لزوم اعانه مظلوم و طرد ظالم» می‌باشد که در کنار تعالیم و حیانی متعدد دیگر موجب فضل و کمال این مکتب الهی نسبت به دیگر مکاتب گردیده است.

نگاهی به منابع اسلامی، به خوبی انسان را به این نکته رهنمون می‌سازد که در شریعت اسلام دفاع از مظلوم و کمک به او در بازستانی حق از دست‌رفته خویش و در مقابل پیکار با ظالمین و عدم همراهی و تأیید آن‌ها، نه تنها به عنوان یک ارزش بلکه به عنوان یک تکلیف دینی در نظر گرفته شده و بسیار محل تأکید است. قرآن کریم صراحتاً به مسلمانان دستور می‌دهد که برای نجات مظلومان بپا خیزند و این مبارزه را در صورت لزوم تا حد پیکار مسلحانه نیز ادامه دهند و از مرگ نهراسند. (۱) همچنین در فرمایشات معصومین (علیهم السلام) تعابیری که مشیر به اهمیت حمایت از مظلوم و مخالفت با ظالم باشد فراوان است تا جایی که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) امتی که به بازستانی حق مظلوم از ظالم اقدام نرزد را از سعادت و پاکی بی‌بهره دانسته است. (۲) امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز ضمن آخرین وصایای خود در بستر شهادت به فرزندان‌شان تأکید دارند که همواره دشمن ظالم و یاور مظلومان باشند. (۳) جدای از شریعت و تعالیم و حیانی، اساساً مسئله دفاع از مظلوم و مقابله با ظلم در زمره آموزه‌های فطری است که هر عقل سلیمی آن را تأیید می‌کند. بداهت این مسئله تا به جایی است که حتی ظالمان نیز برای توجیه جنایات و تجاوزهای خود، بهانه‌هایی همچون یاری ضعفاء یا حمایت از حقوق بشر را دستاویز اعمال شوم و پلید خود قرار می‌دهند.

عدم مضایقه در کمک و اغاثه مظلومین در فرهنگ اسلام به مسائل فردی محدود نیست بلکه یکی از وظایف حکومت اسلامی بشمار رفته و دولت اسلامی مجاز به تخطی از آن تحت هر عنوانی نیست. اساساً اگر بخواهیم یکی از وجوه تمایز دولت



مستضعفان از سوی حکومت اسلامی یکی از اصول بنیادین دینی است که توسط قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اساسی سازی شده و دارای بالاترین جایگاه در نظام حقوقی و ایدئولوژیک آن می باشد که وفق آن هر نوع سیاست گذاری، تقنین، اعمال و ابراز موضعی که با اصل انسانی «لزوم دفاع از مستضعف» در تناقض و تضاد باشد، مردود خواهد بود.

با توجه به جای گرفتن اصل مذکور در اندیشه اسلام و تبعاً نظام حقوقی جمهوری اسلامی، مشارکت فعالانه فرهنگی، فکری، نظامی و سیاسی در امور منطقه به منظور دفاع از مظلومان در برابر هجوم ظالمان و مستکبران جزء لاینفک نظام اسلامی ایران می باشد چرا که در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی مکلف به حمایت از مستضعفان عالم است و این حمایت تنها منوط به تشخیص مصداق مستضعف و مستکبر خواهد بود. ماده ۴ «قانون وظایف وزارت خارجه» مصوب ۱۳۶۴/۱/۱۰ نیز اشاره به همین امر دارد. (۷)

محور مقاومت اسلامی که امروزه یکی از اساسی ترین و مؤثرترین حرکت ها برای امداد مظلوم و مبارزه با ظالم بشمار می رود نیز در واقع تبلور اندیشه عالی «ضرورت اغاثه و اعانه مظلوم» است که نظام اسلامی و آرمان های حقوقی آن را از نظام های مادی و بی بهره از وحی، متمایز می سازد. در چنین نظام هایی که از بینش الهی تهی بوده و همه سعادت و شقاوت را در دنیا خلاصه می بینند، دفاع از مردم مظلومی که از موطن اصلی خود رانده شده، زمین های آن ها غصب شده و حقوق مشروع و اساسی خود را در مسلخ ظلم رژیم سفاک از دست می دهند، به رغم فشار، تحریم، رنج و دشواری خود، هیچ توجیه عقلانی و منطقی ندارد بلکه حتی اگر منافع دنیوی و مادی خود را در گرو کمک به ظالم ببینند هرگز از یاری او دریغ نخواهند کرد. اما نظام و حکومت اسلامی مبتنی بر وحی به حکم دستور «کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» لحظه ای در تکلیف خود برای استکبارستیزی و مظلوم نوازی تردید نمی کند. در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مصوب ۱۹۹۰ میلادی اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان اجلاس اسلامی در قاهره آمده است

آن ها در تصمیم گیری ها را در راستای به واقعیت پیوستن هدف بسیار مهم «تحقق حکومت مستضعفین» می داند و نسبت به تحقق آن در قرن جاری و به تبع آن شکست تمامی مستکبرین ابراز امیدواری نموده است.

در اصل دوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است تا برای نیل به هدف «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان» همه امکانات خود را به کار ببرد. «دولت» در این اصل به معنای عام آن یعنی مجموعه حاکمیت و نظام مدیریت کشور بوده و کلیت نظام در قبال مستضعفان جهان و حمایت بی دریغ از آن ها مسئول دانسته شده است. نمونه دیگر از انعکاس این فکر را می توان در اصل ۱۵۲ قانون اساسی به خوبی ملاحظه نمود. این اصل اشعار می دارد که: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گرو روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». همچنین اصل ۱۵۴ تصریح دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند». بنابراین اصل، هر نوع حرکتی از سوی مستضعفان بر ضد مستکبران که در مدار حق باشد بدون هیچ شرط و مصلحت اندیشی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. فرمایش مرحوم امام خمینی (ره) در مورد احتمال کمک به مسلمانان روسیه شوروی که اظهار داشتند: «آن ها برادران ما هستند و ما با تمام مسلمانان برادر هستیم و این یک اصل اسلامی است که هر مسلمانی باید به مسلمان دیگر کمک کند» نیز ناظر به همین تعهد دولت ایران به دفاع از مسلمانان و مظلومان می باشد که در اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ ذکر شده است. (۶) بنابراین دفاع از مظلومان و



۵. هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۶، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، میزان، تهران، جلد ۱، صفحه ۴۳۰.

۶. صحیفه نور، جلد ۴، صفحه ۳۳۸.

۷. ماده ۴: وزارت امور خارجه باید موجبات حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان بالاخص مسلمانان علیه مستکبران را در هر نقطه جهان بدون دخالت در امور ملت‌های دیگر بر اساس اهداف و سیاست‌های خارجی کشور با هماهنگی با سایر دستگاه‌های ذی‌ربط فراهم آورد.

۸. اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۴: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ زَجَلًا يَنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ قَلَمٌ يَجِبُهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» امام صادق (علیه‌السلام): رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد او از آنان نیست و کسی که صدای مردی بشنود که فریاد کمک خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد مسلمان نیست.

۹. رهبر انقلاب اسلامی در پیام خود در پی برگزاری اجلاس صلح خاورمیانه در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۲۵ می‌فرمایند: «در این لحظه‌ی خطیر، مسلمین جهان باید احساس تکلیف کنند؛ باید وظیفه‌ی را که مسلمانان بر دوش آنان نهاده، درک کنند. از سویی تکلیف حفاظت از سرزمین‌های اسلامی است، که از ضروریات فقه مسلمین است؛ و از سوی دیگر پاسخ به استغاثه‌ی ملتی مظلوم ... که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده است: هر کس ندای استغاثه‌ی مسلمی را بشنود و پاسخ نگوید، مسلمان نیست ... و امروز نه یک فرد، که یک ملت صدا به استغاثه برداشته است».

که: «حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام، جزئی از دین مسلمین است» بنابراین سکوت در قبال نقض این حقوق خلاف دین و به نفع ظالم خواهد بود.

با توجه به این مبانی، امروزه دفاع از ملت‌های مظلوم و در رأس آن‌ها ملت مستضعف فلسطین که هدف نهایی محور مقاومت است از تکالیف شرعی و قانونی دولت جمهوری اسلامی ایران بوده و هر نوع اهمال، بی‌تفاوتی، و سکوت در قبال امداد خواهی مظلومان منطقه، عالم و خصوصاً قضیه فلسطین نقض قانون اساسی و در راستای یاری ظالم به حساب می‌آید. مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۹ با تصویب «قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» خطوط اصلی سیاست حمایت از مردم فلسطین را مشخص کرد که در جهت ادای تکلیف مذکور و عمل به قانون اساسی بود. نتیجه آنکه در اندیشه و نظام حقوقی اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعانه مستضعفان عالم نه فقط رسم مسلمانی بلکه شرط مسلمانی است. (۸/۹)

یادداشت‌ها:

۱. سوره نساء، آیه ۷۵: «وَمَا لَكُمْ لَأَنْتَظِرُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، فرمان به مالک اشتر: «لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرَ مُتَتَّقِعٍ» (امتی که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحت نگیرد، هرگز پاک نمی‌شود و روی سعادت را نمی‌بیند).

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۷: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصَمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا».

۴. بحار الانوار، جلد ۴۱، صفحه ۱۳۳.



سید مهدی کوشکی
کارشناس حقوق دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار

یادداشت ۷

تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی

خاورمیانه با صرف هزینه‌های بسیار زیاد توسط سلطه گران و تشکیل این گروه افراطی با اهداف تجزیه کشورهای اسلامی و نسل‌کشی در منطقه و تخریب آثار تمدن‌ها- فرهنگ و... صرفاً به بهانه مبارزه با تروریست نام برد که در این برهه از زمان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با به رسمیت شناختن استقلال کشورها با استناد به قوانین حاکم اصل ۱۵۲ قانون اساسی: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». و همچنین اصل ۱۵۴ قانون اساسی: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» و بهره‌برداری از نظر کارشناسان مجرب، متعهد، متخصص و انقلابی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی در کنار جوامع ستم دیده و مستضعف قرار گرفت و با حمایت از آن‌ها موجب از بین رفتن برنامه‌های سلطه‌پذیری و استعماری سلطه گران و نابودی گروه بدون مشروعیت داعش و سایر گروه‌های استبدادی مورد حمایت کشورهای آمریکا، اسرائیل و غرب گردید.

امروزه به‌خوبی نقش جمهوری اسلامی ایران با تقدیم شهادی والامقام ازجمله مرد میدان سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی، در جهان اسلام و در جهت جلوگیری از سلطه‌گری بیگانگان و نفوذ آن‌ها و حمایت از مستضعفان

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

چرا شما در راه خدا (و در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما (سوره نساء آیه ۷۵)

در جهان امروزی کشورهای سلطه‌گر ازجمله کشورهای آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای اروپایی به علت برتری دانستن واهی خود نسبت به سایر کشورها، ادیان و مذاهب مبادرت به سلطه‌گری و استبدادگری باهدف‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی می‌نمایند که در چند دهه اخیر به‌وضوح پیامدهای این سلطه‌گری‌ها در برخی از کشورها مانند فلسطین اشغالی، یمن، سوریه، عراق و کشورهای مسلمان سایر نقاط جهان دیده می‌شود و با تضعیف حقوق سایر جوامع بشری سعی در گسترش حیطه‌ی نفوذپذیری رادارند. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ با بهره‌گیری از آیات، احادیث معصومین و در چارچوب قانون اساسی در رابطه با حمایت از مستضعفین همواره ضمن تکریم و احترام متقابل به سایر کشورها در کنار جوامع ستم دیده و مستضعف قرار گرفته است و نیز حمایت از مستضعفان عالم را تکلیف شرعی و قانونی خود می‌داند که همچنین امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: (أَحْسَنُ الْعَدْلِ نَصْرُ الْمَظْلُومِ؛ بهترین عدالت یاری مظلوم است)

اکنون می‌توان از پدیده شوم داعش که دهه‌ی گذشته در



عالم نمایان شده است که این حرکت مهم با استعانت الهی، حمایت و رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) که فرمودند: «من به ملت ایران و سایر ملت‌های مستضعف جهان در این قضایایی که مخالفین اسلام برای اسلام می‌خواهند پیش بیاورند هشدار می‌دهم که باید هرچه این قضایا و این خرابکاری‌ها حجمش زیاد می‌شود، حجم انسجام ملت‌های مستضعف و مستضعفان جهان بیشتر بشود» و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که در سال ۱۳۶۹ در دیدار با مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی بیان نمودند: «این انقلاب، چون بانام خداست، همیشه با شیطان‌ها مواجه است. چون معتقد به طرفداری از مستضعفان و مظلومان است، همیشه با قلدران و زورگویان و مستکبران، دست‌به‌گriبان است.» و سایر مسئولین دلسوز نظام ادامه دارد تا انشالله با ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) سیطره‌ی ظلم و بی‌عدالتی در جهان برچیده شود و حکومت حق و عدل در جهان برپا شود.



یادداشت ۸

تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی

مقدمه

از مهم‌ترین اهداف مشترک ادیان الهی تشکیل جامعه آرمانی برپایه صلح جهانی است. جامعه‌ای که در آن افراد به‌دوراز هرگونه ظلم و تبعیض به رشد و تعالی برسند. و این آرمان بزرگ بشری افقی روشن فراروی ستم دیدگان و مستضعفان جهان ترسیم کرده. از بشارت‌های بزرگ اسلام نیز تشکیل چنین آرمان‌شهری با نظام تمدنی جهان‌شمول و فراگیر برای احقاق حق مستضعفان و مجازات ستمگران و هموارسازی مسیر سعادت حقیقی بشر در آخرین برهه از تاریخ است. از نظرگاه اسلامی این مهم، با حکومت صالحان تحقیق خواهد یافت و فرجام تمدن بشری به‌گونه‌ای ترسیم‌شده که کسانی که در دنیا به استضعاف کشیده شده‌اند، وارثان زمین خواهند بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس موازین دین مبین اسلام تنظیم گردیده و در بخش‌های مختلف و اصول متعدد روح توحید و اسلام‌گرایی حاکم بر آن به‌خوبی قابل‌درک است. قانون اساسی با الگوگیری از برخی موازین الهی همچون «همه مسلمانان یک امت‌اند»^۱، «همگان مسئول همدیگراند»^۲، «همواره دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید»^۳، حمایت همه‌جانبه خود از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان را با صراحت و صلابت اعلام داشته. در مقدمه قانون اساسی که به‌نوعی شناسنامه جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود در بخش مربوط به شیوه حکومت در اسلام قید شده: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی

مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان‌الله امتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.^۴ این جملات به‌خوبی بیانگر این است که جمهوری اسلامی حمایت خود از مستضعفان جهان را به‌عنوان یک اصل انسانی پذیرفته و تلاش همه‌جانبه در راستای این مهم دارد. همچنین در اصول متعدد، سیاست خارجی خود را بر اساس این معیار طراحی و تدوین نموده.

۱. پشتوانه‌های عقلی حمایت از مستضعفین جهان در قانون اساسی

۱،۲) دفاع از مظلوم، یکی از آموزه‌های فطری است که هر عقل سلیمی آن را تأیید می‌کند. ظالم هرکسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هرکسی هست باید از او حمایت کرد.^۵

۲،۲) منافع ملی یک کشور فقط در مرزهای جغرافیایی آن محصور نمی‌شوند. اصولاً بخشی از امنیت ملی کشوری خارج از آن کشور صورت می‌گیرد.

۳،۲) همه مسلمانان امت واحد به حساب می‌آیند و در این صورت، هرگونه ستمگری به هر کشور اسلامی یا جمعیت مسلمین، ستم به همه آن‌ها محسوب شده، دفاع از آنان دفاع از خود قلمداد شده و به حکم عقل واجب می‌گردد.

۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۵- سخنرانی آیت الله خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با سفرای کشورهای اسلامی، ۹۴/۲/۲۶

۱- إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون/انبیاء ۹۲

۲- کَلِّمُوا رَاعٍ، وَكَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ/بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸

۳- كُونُوا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا/نهج البلاغه نامه ۴۷



در اصل ۱۵۲ نیز این مسئله مورد توجه قانون گذار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و بیان شده: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» در اصول مذکور به نحو قدرتمندانه ای این اراده جاری است که از خلال یک شمول گرایی اخلاقی، «آینده» هم حاصل آید. این اصول به طور کلی از دو ویژگی آرمانی و دستوری (اخلاقی) برخوردارند. برای مثال اصل ۱۵۴ از این حیث که از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در هر نقطه از جهان حمایت می کند، یک اصل اخلاقی و دستوری است.^۸ در کنار قانون اساسی، اصل حمایت از مستضعفان در بیانات امام (ره) و رهبر انقلاب نیز متجلی است. سخنان امام (ره) در مناسبت های مختلف به خوبی روشن کننده جایگاه این اصل در میان اصول مدنظر نظام جمهوری اسلامی در روابط بین المللی است. برای نمونه ایشان در پیامی به مناسبت ولادت حضرت پیامبر (ص) اظهار داشتند: «ملت آزاده ایران هم اکنون از ملت های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می کند.»^۹

اصل ۱۵۴ و اصل عدم مداخله در امور کشور آیا در تعارض باهم هستند؟

در این بین عده ای با انتقاد به اصولی همچون ۱۵۴ و ۱۵۲ آن ها را برخلاف اصل عدم مداخله در امور کشورهای دیگر تلقی می کنند و معتقدند همین که به حمایت از مستضعفان بپردازیم این یعنی مداخله در امور کشورهای دیگر. به طور کلی باید گفت که مبنای اصل عدم مداخله را احترام به حاکمیت دولت ها، برابری آن ها و عناصر تشکیل دهنده نظم حقوقی بین المللی تشکیل می دهند. بنابر اصل حاکمیت همه دولت ها از استقلال برخوردار بوده و نسبت به تعیین سرنوشت سیاسی جامعه خویش و انتخاب سیاست داخلی و خارجی خود دارای آزادی و اختیارند.^{۱۰} در پاسخ این عده باید گفت:

۴،۲ اگر در یک گوشه از دنیا، آزادی که جزء حقوق عمومی همه انسان هاست مورد تهاجم قرار گرفت ملت های دیگری توانند- بلکه باید- به کمک آزادی بشتابند و به جنگ سلب آزادی و اختناق بروند و مقدس ترین جهادها جنگی است که به عنوان دفاع از حق انسانیت صورت گرفته باشد.^۶

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سخنان امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب را باید یکی از مهم ترین و کارآمدترین منابع جهت شناخت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. امام (ره) همواره با نگاهی واقع گرایانه مسائل بین المللی را رصد می کردند. ایشان در موارد متعددی نسبت به محترم شمردن اصل عدم مداخله تأکید داشتند.

برای نمونه ایشان در مصاحبه با خبرنگار دانمارکی «در تاریخ ۵/۰۹/۱۳۵۷» تصریح کردند: ملت ایران اجازه نمی دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی ما دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می کند و با تمام کشورها هم به طور احترام متقابل عمل خواهد کرد.^۷ اصل ۱۵۴ قانون اساسی در این خصوص مقرر می دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.» حمایت از مستضعفان علاوه بر اینکه یک تکلیف انسانی، حقوقی و اخلاقی است، یک تکلیف و ارزش اسلامی نیز محسوب می شود، و گرنه ذکر یک فراز فکری در قانون اساسی معنا نخواهد داشت. اینکه ما استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم دنیا می شناسیم، یک فراز اعتقادی است، و نه یک امر صرفاً قانونی. اما چون این طرز فکر به دنبال خود یک سری تعهدات را در قبال مردم جهان موجب می شود که خود می تواند در سیاست خارجی ما ماهیت قانونی داشته باشد، از این رو این فراز فکری در قانون اساسی گنجانده شده است. به عبارت آخری اگر حتی نص قانونی هم نداشتیم چیزی از وظیفه خود در قبال حمایت از مستضعفین کم نمی دانستیم.

۸- درآمدی بر مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ص ۲۱۸

۹- سخنرانی حضرت امام خمینی (ره). ولادت حضرت رسول (ص). ۱۳۵۸/۱۱/۱۵

۱۰- مداخله بشردوستانه و اصل عدم مداخله، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش

۶- شهید مطهری. جهاد. ص ۴۰

۷- امام خمینی (ره). مصاحبه با خبرنگار دانمارک. ۱۳۵۷/۹/۵

«مأموریت ایران برای حمایت از ملل مظلوم دنیا بدین معنا نیست که کشورمان عرف بین‌المللی مبنی بر منع مداخله در امور دیگران را نادیده خواهد گرفت، بلکه برای تحقق این هدف، سازوکارهای مورد قبول جامعه بین‌المللی را اتخاذ خواهد کرد.» سازوکارهایی که در مطلب مذکور به آن اشاره شد، آن دسته از شیوه‌های حمایتی را شامل می‌شود که مداخله نباشد، مانند حمایت در سازمان‌های بین‌المللی، حمایت اقتصادی، سیاسی و... که تکیه اصل ۱۵۴ نیز بر روی این مطلب است. در واقع ایران به عنوان یک عضو سازمان ملل متحد، در راستای حمایت از مستضعفان، آن دسته از حقوق و تکالیف حمایتی را اتخاذ می‌کند که حقوق بین‌الملل در حدود اهداف منشور ملل متحد مورد اشاره قرار داده است.^{۱۳}

نتیجه

پس از بررسی ابعاد برخی اصول قانون اساسی مبنی بر حمایت از مستضعفان جهان باید گفت که با عنایت به اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ریشه در مبانی عمیق عقیدتی اسلام دارد، حمایت از مستضعفان جهان یک تکلیف دینی محسوب می‌شود. علاوه بر آن منافع سیاسی ملی و منطقه‌ای و ضرورت‌های عقلی هم بر آن تأکید دارد. رویکرد تئوریک و عملیاتی جمهوری اسلامی در حمایت از این ایدئولوژی با وضع قوانین و مقررات الزام‌آور و نیز اقدامات عملی در حمایت از مظلومین و مستضعفین عالم مدلی نو از حمایت در جامعه جهانی می‌باشد که بر اصول بنیادین حقوق بشری و مبانی دینی بنا شده است.

منابع

- ۱- الموسوی الخمینی، روح الله (۱۳۷۸) صحیفه امام مجموعه آثار امام خمینی ره (۱، ج ۵/۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره))
- ۲- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۵)، در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه محمد سپهری، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- ۳- طاهایی، جواد (۱۳۸۷) درآمدی بر مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۴- دشتی، محمد (۱۳۸۶)، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)
- ۵- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۰)، مداخله بشردوستانه و اصل عدم مداخله، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۱۳-۴۳۲، ص ۵۳-۵۲
- ۶- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، جهاد، تهران: صدرا
- ۷- هاشمی، محمد (۱۳۸۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۴، تهران: میزان
- ۸- یزدی، محمد (۱۳۷۵)، قانون اساسی برای همه، تهران: امیرکبیر. اسناد و منابع اینترنتی

۱۳- ۴۳۲-۴۳۳، ص ۵۳-۵۲

۱۱- در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ص ۵۰۳

۱۲- حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. ص ۴۳۵



محمدحسین فردوسی

طلبه سطح سه حوزه علمیه قم، رشته فقه و اصول
و دانش پژوه سطح دو مدرسه عالی قضاوت، رشته فقه حقوق و قضای اسلامی

یادداشت ۹

حمایت از جریان مقاومت در پرتو قانون اساسی

ثمر نشانیدن نهضتی مکتبی و در راستای اعتلای «کلمه‌الله» قیام کردند. درواقع، رسالت قانون اساسی این است که به زمینه‌های اعتقادی این نهضت، عینیت ببخشد. ازاین‌رو می‌توان قانون اساسی را به‌عنوان معیار مناسبی برای رسیدن به این پاسخ معرفی کرد.

از منظر قانون اساسی، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست. این حاکمیت به‌وسیله ابزارهایی همچون فرستادن ادیان الهی بر مردم، اعمال می‌شود. از اعتقادات مسلم ما این است که دین مبین اسلام، آخرین اراده الهی در راستای اعمال حق حاکمیت خود نسبت به جهان و جهانیان است. ازاین‌رو منحصر دانستن این دین نسبت به مردم یک منطقه خاص، کج‌فهمی است نسبت به جهان‌شمول بودن اسلام. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» این عبارت به‌وضوح گویای این است که، جهان باید به سمت یکپارچگی حرکت کند که جز خداوند قادر متعال در آن موجود دیگری نقش نداشته باشد.

در همین راستا، باید عده‌ای از مؤمنین در راستای رسیدن به یکپارچگی جهان و اعتلای کلمه‌الله، قدم بردارند و جهانیان را با این تفکر آشنا کنند. مردم ایران با توجه به اینکه در مقیاسی کوچک‌تر، به این مهم دست یافتند و توانستند بر ظلم مستکبران فائق آیند، به‌عنوان بهترین الگو می‌توانند مسیر را برای جهانیان هموار سازند. قانون اساسی نیز که مظهر اراده همین ملت است، با توجه به محتوای اسلامی بودن انقلاب، باید شرایط حرکت در این مسیر را برای تمامی مستضعفین جهان فراهم سازد. حرکتی که می‌تواند مسیر را برای تشکیل امت واحده جهانی، هموار کند.

عامل اصلی که می‌تواند رسیدن به این آرمان الهی را محقق سازد، گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی است. مردم آزادی‌خواه در جهان، همگام با ندای

بدیهی است، هر جریان رسمی وابسته به نظام جمهوری اسلامی ایران، باید متکی به اراده ملت باشد. درواقع، اگر شخص یا نهادی در راستای تحقق بخشیدن به آرمان‌های حاکمیت قدم برمی‌دارد، لاجرم باید مشروعیت داشته باشد. مشروعیتی که ابتداءً باید از ناحیه خداوند باری تعالی تشریع شده و سپس توسط مردم جامعه، پذیرفته‌شده باشد. این همان عصاره مفهوم «مردم‌سالاری دینی» است. بنابراین، جریان‌ات مختلف لازم است اولاً مشروعیت و ثانیاً مقبولیت داشته باشند تا بتوانند در مسیر مدنظر حرکت کنند با توجه به این گزاره می‌توان در مواجهه با تمامی جریان‌ات رسمی منتسب به حاکمیت، ابتدا مسئله را با این علامت سؤال شروع کرد که، مشروعیت این جریان از کجا است؟

از ابتدای انقلاب اسلامی، جریانی تحت عنوان «جریان مقاومت اسلامی» در منطقه غرب آسیا به رهبری حضرت امام خمینی پدید آمد. هرچند که این جریان در دهه‌های ابتدایی، به دنبال ثبات بخشی به بنیان‌های نحیف و تازه متولدشده خود بود، اما در همان زمان نیز چشم از آرمان‌های آزادی‌خواهانه خود در گستره قلمرو جهان، فرونیست. با سپری کردن سال‌های متمادی از این انقلاب، رفته‌رفته جریان مقاومت شروع به گسترش در منطقه و بلکه در جهان نمود. جریانی که می‌توانستیم آن را در دست مجروح شهید عزیز حاج قاسم سلیمانی مشاهده کنیم. حاج قاسم سلیمانی در راستای پراکنده کردن بذر جریان مقاومت در اذهان آزادی‌خواهان جهان، هیچ‌گاه از حرکت متوقف نشد. اما در مواجهه با این جریان، جا دارد این سؤال مطرح شود که، مشروعیت جریان مقاومت با علمداری شهید حاج قاسم سلیمانی از کجا است؟

بدیهی است که پاسخ سؤال مذکور باید از بررسی دو جنبه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی به دست بیاید، ازاین‌رو بهترین سنج و معیار در این زمینه، می‌تواند «قانون اساسی» باشد. قانون اساسی مظهر اراده ملتی است که در راستای به



مسیر می‌کشاند و آن را رها نمی‌کند.

این‌ها همان دستاوردها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که در طول زمان حتماً باید مورد محافظت قرار گیرند. دستاوردهایی که به‌موجب اصل یک‌صد و پنجاهم قانون اساسی، بر عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. از عنوان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» مشخص است که قلمرو فعالیت آن محدود به مرزهای جغرافیایی و ثابت کشور ایران نیست. بلکه محدوده فعالیت این نهادها، گستردگی نفوذ آرمان‌ها و فرهنگ انقلاب اسلامی است که مشخص می‌کند. هرکجا و در هر نقطه از کره زمین که انقلاب اسلامی حرکت کرده باشد، این سپاه پاسداران است که با حفظ استقلال کشورهای دیگر و با استفاده از دیپلماسی قوی در عرصه نظامی، فرهنگی و... باید از دستاوردهای انقلاب حفاظت کند و به مستضعفین جهان یاری رساند.

امروزه، سپاه قدس به‌عنوان بارزترین نهاد وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وظیفه کمک به مستضعفین جهان در راستای حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را بر عهده دارد. به‌وضوح می‌توان دید که مرزهای فعالیت سپاه قدس، در خارج از قلمرو جغرافیایی و داخل در قلمرو اعتقادی آزادی خواهان جهان است. سپاه قدسی که افتخار آن این بود، فرماندهی‌اش را شخصیت کاربزماتیک و دیپلمات شهید حاج قاسم سلیمانی بر عهده دارد. این همان پشتوانه‌ای است که سبب می‌شد قاسم سلیمانی به‌عنوان یک سرباز انقلاب اسلامی، هیچ‌گاه از حرکت متوقف نشود و در راستای انتشار جریان مقاومت، به پشتوانه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی، فضای تمامی کشورهای منطقه را از بوی خوش خود، عطرآگین کند.

فطرت خود، همواره در راستای نجات از چنگال استکبار جهانی، در حال مبارزه هستند اما در اکثر قریب به اتفاق این نهضت‌ها، به جهت اینکه «مکتب» نقش مؤثری ایفاء نمی‌کند، محکوم به سرکوبی هستند. این وظیفه انقلاب اسلامی است، که اسلام را به‌عنوان اکسیر حیات‌بخش، به آزادی خواهان تشنه جهان، عرضه کند. بنابراین، عنصر «دیپلماسی» باید به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده‌ای، در معادلات جهانی مورد توجه قرار گیرد.

از آنجاکه استکبار جهانی همواره درصدد بوده تا ندای آزادی‌طلبی در جهان را همواره با اعمال زور و تنش نظامی به خفقان بکشد، بنابراین در نقطه مقابل برای مبارزه با این شیوه، راهی جز دیپلماسی نظامی وجود ندارد. تعبیر «دیپلماسی نظامی» می‌تواند گویای این باشد که، استفاده از ابزار دیپلماسی برای انتقال مفاهیم ناب ضد استکباری اسلام، باید از مسیر دفاع از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفین جهان باشد. بدیهی است که تا اشغالات نظامی و سلطه‌های فیزیکی بر ملت‌ها حاکم باشد، مجالی برای انتقال فرهنگ نمی‌ماند. از این‌رو برای رسیدن به این هدف والا، لازم است ابتدا در کنار مستضعفین جهان به مبارزه با امپریالیسم و سلطه‌گری مستکبرین، پرداخت. این همان مفهومی است که می‌توان تبلور آن را در اصل مترقی یک‌صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی، به‌وضوح مشاهده کرد.

بر اساس این اصل، آرمان جمهوری اسلامی ایران صرفاً محدود به سعادت جامعه خود نیست، بلکه به آزادی رسیدن کل جوامع بشری را در ذهن می‌پروراند. استقلال، آزادی، حکومت حق و عدل از حقوق مسلم و بدیهی به شمار می‌آید. در این راستا جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک الگوی مناسب و مظهر تحقق حکومت الهی، وظیفه خود می‌داند که جوامع بشری را در مسیر رسیدن به این اهداف، یاری کند. البته این یاری کردن در عین حالی است که حکومت جمهوری اسلامی ایران از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر خودداری می‌کند. در واقع، رسالت واقعی جمهوری اسلامی ایران این است که فضای خفقان حاکم بر جهان را با شکستن هژمونی استکبار جهانی هموار کند، تا مسیر برای پیمودن ملل آزادی‌خواه جهان هموار باشد. پس از فراهم شدن این فضا، دیگر این فطرت پاک انسان است که انسان را در این



محمد علی رستمی

دانشجوی رشته فقه و حقوق امامی دانشگاه مذاهب اسلامی واحد سنندج

یادداشت ۱۰

تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی

دست نمی‌آید و مستلزم «جهاد، ایثار، عقلانیت، خلوص، پارسایی و آراستگی به انواع فضائل» و «پرهیز جدی از اقسام ردائیل است» و «سرنگونی شیاطین و اذنباشان».

نظام مقدس «جمهوری اسلامی ایران» با اتکای به قدرت لایزال ربوبی و اتکاء به توانمندی‌های پاک‌ترین انسان‌های جهادگر، در عرصه‌های مختلف؛ با نصب العین قرار دادن آیات قرآن مجید و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله)، پرچم آزادی حقیقی و آزادی واقعی را برافراشته است و تا غلبه حکومت «الله» از پای نخواهد نشست.

در همین راستا، فرزندان «اسلام ناب محمدی» و پرورش‌یافتگان مکتب امام راحل (ره) و مقام عظمای ولایت، مردانی چون سردار سپهد شهید، حاج قاسم سلیمانی (رضوان‌الله تعالی علیه)، پا به میدان نهاده‌اند تا آدمی را از زنجیرها و قیود نامردمان ابلیس گونه برهانند و تا بلندترین قله‌های ارجمندی و عزتمندی راهگشا گردند.

برپایه‌ی این شالوده، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم «سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در «امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». همچنین در اصل یک‌صد و پنجاه و دوم، تأکید می‌ورزد که:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گرو (بر اساس) روابط صلح‌آمیز

آدمی طی تاریخ، بر اساس ویژگی‌های شخصی و محیطی، به یکی از دو گروه «ستم‌ستیز» یا «ستم‌پیشه» و «مردم» یا «نامردم» تعلق خاطر فکری و عملی داشته و تا آنگاه که بر عرصه هستی حضور داشته باشد؛ همین‌گونه خواهد بود. فلسفه وجودی پیامبران الهی، از یک منظر، ناظر بر هدایت نوع بشر در طریق «مردمی» و «ستم‌ستیزی» بوده و تربیت انسان‌های آزاده‌ای که معتقد به سعادت بشری باشند.

بدیهی است که خدا گونگی برخی آدمیان و تلاش‌های مستمر آنان در سطوح گوناگون در برابر فرزندان کفر و جور و مبارزات آشتی‌ناپذیرشان با جرثومه‌های فساد و تباهی، امری اعتقادی و عقلانی است. بنابر این هرگز منجر به تسلیم و کرنش در مقابل استعمارگران نخواهد شد.

«جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان آخرین و عظیم‌ترین پایگاه الهی و انسانی معاصر، خود را نماد تام و تمام ظهور خالق یگانه هستی در تمامی مظاهر صفات و نمود برپایی حکومت قسط و عدل بر اساس آیات نورانی قرآن کریم و رهنمودهای رسول مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم)، ائمه اطهار (سلام‌الله علیهما) و جانشینان الهی آنان (اولی الامر) در جایگاه «ولی فقیه» در عرصه‌ی «ولایت مطلقه فقیه» می‌داند.

نظام مقدس «جمهوری اسلامی ایران» که سیاست‌های خرد و کلان خود را در چهارچوب «قانون اساسی» و در جهت وصول به عالی‌ترین پایگاه‌های انسانی در قالب اوامر و نواهی الهی، بنیاد نهاده است؛ زیر لوای رهبر هوشیار و فرزانه‌ی آگاه به زمان و زمانه و پالوده از هرگونه آلودگی، وظیفه خود را «ادای عهد الست» در جهان ظلم و کفر و عصیان تا برقراری «حکومت حق» الهی بر سراسر زمین و خدامحوری همه انسان‌ها می‌داند. پرواضح است که این مقدس‌ترین هدف، سهل و ساده به

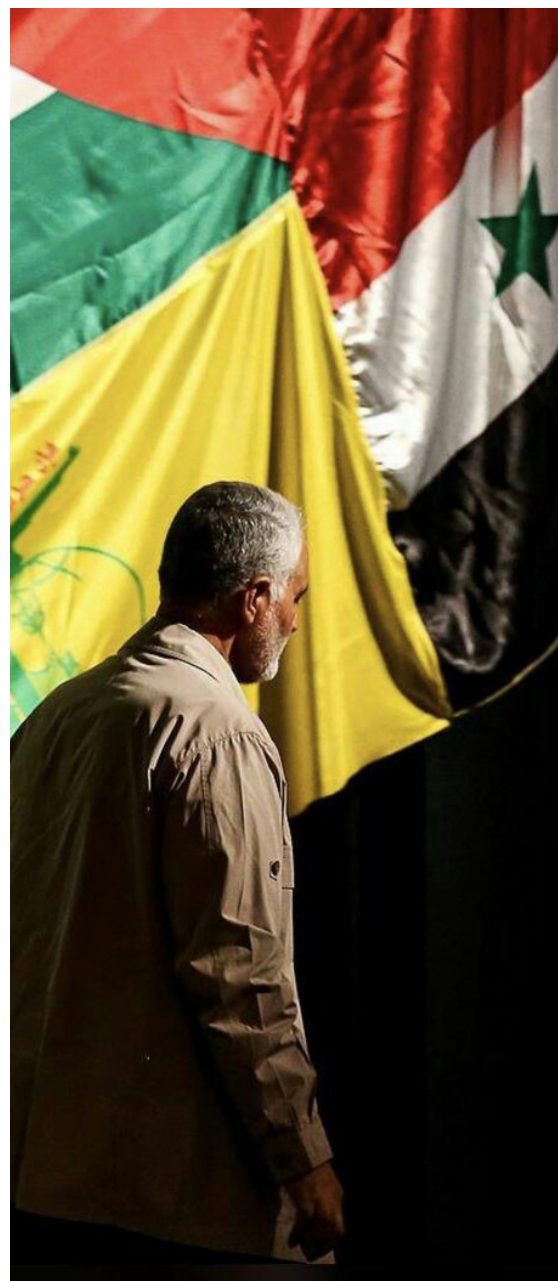
به حضور وجودی مبارک در عالی‌ترین مرتبه این نظام مقدّس، که در زمان غیبت امام عصر (ارواحنا له الفداء)، ارجمندترین عبد صالح خداوند و رهبر مطلق جبهه خدامحوری و حق و عدل و انسان ارزشی و کمال‌گرایی و کسب فضیلت‌هاست. به همین دلیل است که در قانون اساسی، رهبری نظام «جمهوری اسلامی» بدون قید «ایرانی‌الاصل» بودن، در عین لزوم دیگر ویژگی‌های ضروری بی‌نظیر در جهان امروز، تعریف و پذیرفته شده است. در اسلام راستین و ناب، والاترین شرط گرامیداشت و جلب رضای حضرت اله، «عبودیت مطلق و رعایت تقوا» است:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقٰىكُمْ» پس در نظام سیاسی الهی، همچون دیگر شئون، رعایت «اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی» نسبت به افراد غیرمسلمان نیز از جمله وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برشمرده شده، مشروط بر عدم توطئه و اقدام برضد اسلام و جمهوری اسلامی (اصل چهاردهم قانون اساسی) و به همین جهت است که در اصل پنجاه و پنجم می‌خوانیم: «دولت جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه برطبق قانون ایران خائن و تبهکار شناخته شوند»

از مجموع اصول مذکور می‌توان به کنه اصل یازدهم قانون اساسی پی برد:

«به حکم آیه کریمه «إِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد»

درک درست و عمیق همین اصول معدود در قانون اساسی نظام مقدّس «جمهوری اسلامی ایران» مفسر و مبین تمامی نکته‌ها در خصوص چگونگی و چرایی سیاست‌های درون و برون‌مرزی ماست و ضرورت پرورش بزرگانی همچون سردار سپهبد شهید، حاج قاسم سلیمانی (رضوان الله تعالی علیه) و هزاران شهید و الامقام دیگر که در سایه ولی مطلقه فقیه، مقام معظم رهبری؛ پرورش یافته‌اند و هستی دنیای خویش را در جلب رضای الهی و ساختن جهانی به‌دوراز پستی‌ها و پلشتی‌ها و آفرینش دنیایی سراسر پاکی و عبودیت و زیبایی به مسلخ برده‌اند.



متقابل با دول غیر محارب استوار است». و کیست که نداند رسیدن به اهدافی چنین متعالی، بدون تقویت بنیان‌های دفاعی و نیروهای الهی، غیرممکن است. از همین رو در اصل یک‌صد و پنجاه و یکم با پیروی از قرآن کریم (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...) دولت موظف می‌گردد به فراهم نمودن برنامه و امکانات آموزش نظامی برطبق موازین اسلامی؛ به سبب رعایت و اجرای همین اصول و دیگر اصول اساسی است که بر اساس اصل یک‌صد و پانزدهم: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور»

البته و صد البته، همه آنچه ذکر گردید مشروط و منوط است



رضا محمد زاده اجور

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

یادداشت ۱۱

تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مستضعفان عالم در پرتو قانون اساسی

تأکید و آن را مطرح کرده است. جمهوری اسلامی ایران اصول سیاست خارجی خود را بر نجات ملل محروم و تحت ستم و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان استوار کرده است.

توجه ویژه قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مظلومان و مستضعفین جهان موجب شده که در دیباچه و مقدمه قانون مذکور بدین مسئله توجه شود؛ ضمناً که نه فقط در یک اصل که در چند اصل مورد تأکید قرار گرفته که این نشان‌دهنده اهمیت موضوع بوده است.

ازجمله؛

الف- به استناد بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای تحقق نظام اسلامی مبتنی بر «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» و «نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» سیاست خارجی کشور را بر اساس «معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» تنظیم نماید.

ب- در اصل ۱۱ قانون اساسی آمده است: «به حکم آیه کریمه «ان هذِهِ امّتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

پ- استفاده از اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم نیز «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه

در تفکر اسلامی، حاکمیت و قدرت، وسیله‌ای برای برپایی عدالت و سرنگونی ظلم است، ازاین‌رو دولت اسلامی باید بر اساس ملاک عدالت و نفی ظلم، اصول و چهارچوب‌های کلی روابط خارجی خود را با دولت‌ها و ملت‌ها تنظیم کند و حمایت از مظلومان و مستضعفان را جزء اصول بنیادین سیاست خارجی خویش قلمداد کند.

در تبیین مبانی دینی این مصالح، با نگاهی به آیات و روایات متعدد در این زمینه، می‌توان به اهمیت و جایگاه ویژه این اصل در روابط خارجی دولت اسلامی پی برد.

ضمن اینکه به لحاظ اولویتی نیز توجه به مسلمانان در درجه نخست قرار دارد و اصل نفی سبیل نیز در این زمینه مطرح است که بر عدم سیطره‌گزار بر مسلمانان دلالت دارد.

امام خمینی (ره) نیز به عنوان نظریه‌پرداز (تئوریک) و بنیان‌گذار (عملیاتی) جمهوری اسلامی، یکی از اصول مسلم سیاست خارجی و بهترین راه مقابله با مستکبرین عالم را تشکیل جبهه مستضعفین می‌داند.

لذا که گفتمان حمایت از مستضعفان و مبارزه برای نجات ملت‌های محروم و تحت ستم ظالمان در سرتاسر جهان، از آرمان‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی است.

قانون اساسی که به عنوان عالی‌ترین میثاق بین دولت‌ها و ملت‌ها شناخته می‌شود بیانگر نوع نگاه نظام‌های سیاسی به مسائل مختلف هست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان جزء اولین قوانین اساسی در جهان دانست که منادی تحقق سعادت انسان در سراسر جهان است و تحقق عدالت برای همه جوامع بشری را سرلوحه کار خود قرار داده است، به‌طوری‌که در اصول متعدد قانون اساسی بر حمایت از مستضعفان و مظلومان



اسلامی مردم فلسطین مصوب ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

کلام پایانی اینکه همه موارد فوق‌الذکر بیانگر وجود یک گفتمان خاص در خصوص حمایت از مستضعفان جهان در بین نهادهای مختلف جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و اینکه این موضوع آرمانی بس والاتر از وجود یک نوع نگاه خاص حمایت‌گرانه توأم با نگاه به تعلقات مذهبی می‌باشد و شمول تکالیف به حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان فارغ از تعلقات دینی، ملی و فرهنگی‌شان و نیز حمایت بی‌دریغ از مستضعفان سراسر دنیا در مبانی نظری و عملی در هیئت حاکمه جمهوری اسلامی امری کاملاً واضح و مشهود است.

حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. "این مسئله علیرغم اینکه بیانگر نگاه والای قانون‌گذار اساسی نسبت به موضوع حمایت از مستضعفان و مظلومان سراسر گیتی هست؛ وظایف و اختیاراتی را بر دولت اسلامی در راستای ایفا و اجرای این آرمان اصیل نظام اسلامی (حمایت از مستضعفین عالم) بار می‌کند که بر این اساس؛ صلاحیت و تکلیف انقلاب اسلامی فراتر از مرزهای ایران اسلامی امتداد خواهد داشت و آن را همچون حلقه‌ای با تمام جنبش‌های اسلامی و بلکه کلیه خیزش‌های رهایی‌بخش مرتبط می‌سازد.

ضمن اینکه رهبر معظم انقلاب؛ امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در بخش مربوط به سیاست خارجی بیانیه گام دوم انقلاب بر مسئله‌ی حمایت از مستضعفین جهان تأکید کرده و

– ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و تسلیم ناپذیری

– حضور مقتدر ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا

– حمایت جمهوری اسلامی ایران از مبارزان مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی؛ را جزء دستاوردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی دانسته و بر آن‌ها تأکید می‌نماید.

باید عنوان کنیم که مجلس شورای اسلامی هم که به عنوان نهاد عام تقنینی در نظام سیاسی-حقوقی کشور فعالیت می‌نماید نیز در چند مورد نسبت به تصویب قوانین در این زمینه اقدام نموده که از آن جمله عبارت‌اند از؛

– ماده واحده‌ای بانام "قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین که در تاریخ ۱۹/۲/۱۳۶۹ به تأیید شورای محترم نگهبان نیز رسید.

– اصلاح ماده (۱) قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین مصوب ۱۳۶۹

– قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین که در شش ماده در تاریخ ۱۱/۱۰/۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

– قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱) قانون حمایت از انقلاب



مهدی مظفری اناری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

یادداشت ۱۲

تحقق اصول یک‌صد و پنجاه و دوم و یک‌صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی مبتنی بر حمایت از مستضعفان جهان در پرتو مجاهدت‌های فرمانده جبهه مقاومت؛ شهید حاج قاسم سلیمانی

نموده است که می‌بایست مورد توجه و دقت نظر دولت‌های مختلف قرار گیرد. اصل یک‌صد و پنجاه و دوم مقرر نموده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است.» چنان‌که این اصل مقرر داشته، دفاع از حقوق مسلمانان جهان و نفی سلطه‌گری جز اصول محوری سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ مضافاً اینکه اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم نیز سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان جمهوری اسلامی می‌داند و تکلیفی بر عهده دولت (به معنی عام) قرار گرفته که در عین عدم دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبران عالم حمایت نماید. این اصل مرقی قانون اساسی مورد توصیه مکرر امامین انقلاب نیز بوده و کراً به مسئولین و ارکان مختلف دولت گوشزد شده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز که مطابق اصل یک‌صد و پنجاهم قانون اساسی برای نگهداری از انقلاب و دستاوردهای آن تأسیس گردیده است، به این مهم توجه خاصی مبذول داشته و همواره در عین حفاظت و پاسداری از امنیت، آرامش و تمامیت ارضی کشور، برنامه‌های مؤثر و مثمر ثمری در حمایت از ملت‌های مظلوم اعم از مسلمان و غیرمسلمان به عرضه ظهور رسانده است. سردار رشید سپاه اسلام، شهید شهید حاج قاسم سلیمانی نمونه‌ای بارز از این نیروهای پاسدار ولایی، انقلابی و مکتبی است که در مسیر آرمان‌های

جمهوری اسلامی ایران نظامی برخاسته از اهداف، آرمان‌ها و اصول جهان‌شمول دین مبین اسلام به شمار می‌رود. اساساً تأمل در روند شکل‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری بنیان‌گذار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره)، خود مبین این واقعیت است که هیچ ارزشی بالاتر از اجرای قوانین اسلام و تحقق حکومت تراز اسلامی در مسیر تقرب خداوند متعال نخواهد بود.

در این مسیر و مبتنی بر این دیدگاه بنیادی، نظام جمهوری اسلامی شکل‌گرفته و تکامل‌یافته است. یکی از مظاهر بارز شکل‌گیری حکومت اسلامی، حمایت از مستضعفان عالم و نفی سلطه‌جویی حکومت‌ها و گروه‌های ظالم و مستکبر است؛ چراکه هدف، گسترش و توسعه اسلام ناب محمدی در جای‌جای این کره خاکی است و کوشش بر این است تا برابری، عدالت، انسانیت، انصاف و کرامت بشر فارغ از جنسیت، نژاد، قومیت و مذهب به معنای واقعی کلمه رقم‌زده شود. لذا هم در جهت تحقق تمدن عظیم اسلامی و هم در جهت رقم خوردن اهداف پیش‌گفته، نظام جمهوری اسلامی به‌خوبی می‌تواند نقش ایفا نموده و از مستضعفان و اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر که به هر دلیلی تحت سلطه مستکبران و چپاولگران قرار داشته و به کرامت و حیثیت آنان تعدی می‌شود، حمایت نماید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که سند وفاق ملی و مبین آرمان‌ها، اهداف، وظایف و چهارچوب کلی این نظام به شمار می‌رود، به‌خوبی در فصل دهم و در اصول یک‌صد و پنجاه و دوم تا یک‌صد و پنجاه و پنجم خود در تبیین سیاست خارجی کشور، رهنمودهای مهم و راهگشایی ارائه



انقلاب اسلامی، در کنار مجاهدت خستگی‌ناپذیر در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس، به هنگام بروز ناامنی و شکل‌گیری گروه داعش و جنگ و کشتار مردم بی‌دفاع در سوریه، عراق و سایر کشورها، با عزمی جزم، ایمانی راسخ و اعتقادی بنیادین به جهاد با آنان در خارج از مرزهای کشور پرداخت و همواره نام و یاد او آرام‌بخش و تسلی خاطر مردمان مظلوم و مستضعف این کشورها بوده و هست.

رمز ماندگاری این تفکر و بینش اصیل انقلابی، تبعیت از ولایت و رهبری و حرکت در مسیر اهداف جهان‌شمول نظام اسلامی و گسترش حق و عدل در جهان بوده است. همین عوامل موجب عنایت خاص ملت‌های جهان به شهید سلیمانی بوده است؛ چنان‌که حتی غیرمسلمانان نیز، حاج قاسم عزیز را همچون برادر و حامی خویش دانسته و حضور او در منطقه، همدلی، وفاق و اتحاد امت اسلامی و ملت‌های آزادی‌خواه را دوچندان نموده بود. این تفکر قابل‌ستایش و این روحیه عظیم موجب گردید تا قدرت‌های کفر و نفاق و سلطه‌گر نتوانند محبوبیت این سردار بین‌المللی را تحمل نموده و از اتحاد امت اسلام و آزادی‌خواهی ملت‌های جهان به هراس افتادند و تصمیم به شهادت این پاسدار رشید سپاه اسلام به طرزی ناجوانمردانه گرفتند.

تفکر و نگرش شهید سلیمانی را دقیقاً می‌توان در مسیر تحقق اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مندرج در فصل دهم قانون اساسی دید. این شهید والامقام در عین آنکه شخصیتی نظامی بود، اما می‌توان او را دیپلماتی برجسته و صاحب‌نظر دانست که در مسیر تکلیف قانونی عالی‌ترین سند حقوقی کشور مبنی بر حمایت از مستضعفان عالم و دفاع از ملت‌های مظلوم و رفع سلطه ستمگران گام برداشت. یقیناً حضور این شهید والامقام در عراق و سوریه گوشه‌ای کوچک از اقدامات جهان‌شمول ایشان تلقی می‌گردد؛ چراکه تحولات منطقه و حتی نقاط دوردست جهان نیز مورد رصد و عنایت خاص این شهید والامقام قرار داشت و نام ایشان تا ابد در اذهان و افکار عمومی جهان معاصر می‌درخشد. در پایان باید گفت، مکتب شهید سلیمانی به‌خوبی می‌تواند یک روش و الگوی موفق در تحقق اصول یک‌صد و پنجاه و دوم و یک‌صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی به‌طور خاص باشد و دولت‌ها می‌توانند تا سال‌های سال از این روش و منش در مسیر تمدن عظیم اسلامی الگو گیرند. فلذا شهید سلیمانی را می‌توان پرچمدار و سرآمد در اجرای قانون اساسی در حوزه عملکرد خویش دانست که امید است مکتب این شهید والامقام مورد بازخوانی، تبیین و تبعیت دولت‌ها و سیاستمداران قرار گیرد.



حمایت از مستضعفین، در مسیر تمدن نوین اسلامی

قرار داشته و در جهت تشکیل حکومت جهانی اسلام تلاش می‌کنند. یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، نجات یافتن مستضعفین عالم است. در قانون اساسی به این مهم اشاره شده است؛ اصل ۱۵۴ مقرر می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

امام خمینی رحمه‌الله در این باره می‌فرماید: «ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به میانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.» (۳)

در نهایت باید به این مهم اشاره داشت که این حرکت‌ها برای حمایت از مستضعفین، به هدف خود که پیروزی بر مستکبران است خواهد رسید؛ در سوره قصص آیه ۵ این بشارت داده شده: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ که حکومت بر زمین و پیروزی نهایی از آن مستضعفین است. به عبارت دیگر فلسفه تشکیل حکومت و نظام اسلامی، احقاق حقوق ایشان است زیرا اقویا و زورمندان با تکیه بر قدرت و زور خود نه تنها حق خویش را می‌گیرند، بلکه افزون بر آن را نیز می‌طلبند. بنابراین اگر حکومت و قانون حامی مظلومان و مستضعفان نباشد،

از سلسله تکالیف جامعه اسلامی می‌توان به حمایت از مستضعفین عالم اشاره داشت؛ حمایت از مستضعفین حودمرزی ندارد، به همین سبب نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام اسلامی خود را موظف می‌داند بر اساس وظیفه دینی و قانونی خود به این مهم بپردازد.

سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا حکومت و نظام اسلامی حمایت از مستضعفین را یکی از وظایف و اهداف خود می‌داند؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است که ابتدا به مفهوم کلمه مستضعف پرداخته شود.

مقصود از مستضعف در این نوشتار با توجه به آیات و روایات، کسی است که توسط مستکبر به ضعف کشیده شده و راه رهایی ندارد. به عبارت دیگر افرادی که از نظر فکری یا بدنی یا اقتصادی آن چنان ضعیف باشند که قادر به شناسایی حق از باطل نشوند، و یا این که با تشخیص عقیده صحیح بر اثر ناتوانی جسمی یا ضعف مالی و یا محدودیت‌هایی که محیط بر آن‌ها تحمیل کرده قادر به انجام وظائف خود به طور کامل نباشند و نتوانند مهاجرت کنند، آن‌ها را مستضعف می‌گویند. (۱)

مستکبر در مقابل مستضعف به کار می‌رود؛ در نظام‌های طاغوتی همواره تلاش بر این بوده که مستکبرین حاکم بر مستضعفین باشند و جامعه را طبقاتی و گروه‌گروه کنند. به عبارت دیگر مستکبرین معمولاً مستضعفین را در پنجه ضعف نگه می‌دارند و این‌ها را در جامعه از امکانات رشد و ترقی محروم می‌کنند که دیگر نمی‌توانند رشد کنند، نفس بکشند؛ حتی اگر رشدی هم کردند، رشدشان در خدمت و استعمار طبقه برگزیده یعنی مستکبرین است. (۲)

کشور ایران تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ خود یک جامعه طبقاتی با حاکمیت مستکبرین بوده که بعد از پیروزی انقلاب تبدیل به یک نظام اسلامی می‌شود که در آن همه افراد در یک طبقه



فلسفه وجودی خود را به کلی از دست می‌دهد و گاه به بازپچه‌ای در دست ظالمان، برای توجیه ظلم و ستم‌هایشان تبدیل می‌شود. (۴)

امید است که جمهوری اسلامی ایران بتواند در این مسیر قدم بردارد و با تشکیل امت واحده، پشت مستکبران جهان را بشکند.

پی‌نوشت:

۱- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰ ش، تفسیر نمونه، اصفهان، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیه السلام.

۲- حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۵۳ ش، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، انتشارات صهبا.

۳- خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۸ ش، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی رحمه الله علیه (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.

۴- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.



فاطمه عسگری نژاد

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

یادداشت ۱۴

بررسی ابعاد حقوقی ترور سردار مبارزه با تروریسم در قواعد حقوق بین الملل



© ForeignPolicy

در اولین ساعات بامداد ۱۳ دی ۱۳۹۸، نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در عراق، طی حمله تروریستی پهبادی، سردار سلیمانی فرمانده عالی رتبه نظامی ایران و ابو مهدی المهندس از فرماندهان نیروهای مقاومت حشد الشعبی و همراهانشان را به شهادت رساندند.

در بیانیه وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا تصریح شد که دستور حمله پهبادی توسط شخص رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای نظامی کشورش صادر شده و ترامپ نیز در همان روز اعلام کرد: با کشتن قاسم سلیمانی، اقدام دفاعی محکم برای حفظ کارکنان آمریکایی در خارج از کشورشان انجام داده است. سردار سلیمانی بر اساس اصل ۱۵۱ قانون اساسی ج.ا.ا و اساسنامه مصوب ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی و مواد ۲ و ۸ قانون استخدامی سپاه پاسداران ۱۳۷۰، پاسدار رسمی و از نیروهای مسلح ج.ا.ا و نماینده عالی رتبه نظامی ایران در عراق بود که در اجرای ماده ۱۷ قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات تروریستی در منطقه (۱۳۹۶) و همکاری و مشارکت در طرح امنیت جمعی و منطقه ای به درخواست دولت های عراق و سوریه در دفع خطرات و تهدیدهای تروریسم در اثر نقض امنیت و صلح توسط داعش، با دعوت عراق جهت رایزنی و تبادل اطلاعات به آنجا رفته بود. با توجه به بیانیه صادره وزارت دفاع آمریکا و صحبت ترامپ، ترور هدفمندی نسبت به نیروی نظامی کشور ایران در عراق انجام شده که طبق ادعای ترامپ، حمله پیشگیرانه به منظور دفع امکان تدارک حمله ایران به اتباع و منافع دولت آمریکا بوده است. با بررسی شرایط و نحوه حضور سردار سلیمانی در عراق که با هوایمای مسافربری و به صورت قانونی و دعوت رسمی مقامات دولت میزبان و به دوراز شرایط جنگی با خودروی غیرنظامی مورد حمله قرار گرفت نقض پیمان عراق و آمریکا ۲۰۰۸، نقض قطعنامه

اختیارات جنگی در ایالات متحده آمریکا، نقض بند ۱ قطعنامه ضد تروریستی ۱۲۶۹ اکتبر ۱۹۹۹ و بند ۱ قطعنامه شماره ۱۳۶۸ مصوب ۲۰۰۱ و مفاد قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل است. با توجه به بند ۲ ماده ۲۷ موافقت نامه امنیتی ۲۰۰۸ عراق و آمریکا، حمله به نمایندگان رسمی و مهمانان دولت عراق در خاک کشورش، حمله به کشور ثالث و نقض پیمان محسوب می شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی ۱۹۷۳، ایران می تواند مطابق بند ۴ اساسنامه، راسا تقاضای ارجاع با طرح دادخواست و پذیرش موردی صلاحیت دیوان و با حضور آمریکا، به صورت ماهوی نماید. با توجه به نقض حاکمیت و بنا بر اصل صلاحیت سرزمینی، عراق باید دعوی رسیدگی را در دیوان بین المللی کیفری مطرح کند لکن با توجه به عدم عضویت آمریکا، ایران و عراق و مکانیسم سیاسی و ناکارآمدی شورای امنیت و اعمال قدرت اعضای دارای حق وتو، راهکار مطمئن و امیدوارانه ای نیست اما لازم است با طرح دعوی در شورای



و احقاق حقوق پایمال شده خود بپردازند. با عنایت به این امر که سردار سلیمانی قهرمان ملی و چهره بین‌المللی در امر مبارزه با تروریسم بوده است کیفر خواهی و محاکمه عوامل ترور ایشان، وظیفه تمام ملت‌ها و دولت‌هاست و بی‌توجهی به این موضوع، لکه ننگی بر پیشانی سازمان ملل و چهره حقوق بین‌الملل به‌عنوان زبان مشترک تمام حق خواهان جهان خواهد ماند.

امنیت و شورای حقوق بشر، به‌عنوان سندی بین‌المللی ثبت گردد.

اقدام امریکا در ترور سردار سلیمانی، هدفمندی ترور و ادعای حمله پیشگیرانه و پیش‌دستانه و در نتیجه دفاع مشروع را نشان می‌دهد. اما مطابق نص صریح ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای نیکاراگوئه و امریکا ۱۹۸۶، کنگو و اوگاندا ۲۰۰۵، نظریه مشورتی دیوار حائل ۲۰۰۴، حمله نظامی باید در چارچوب یک اقدام قانونی باشد و دفاع مشروع حتماً باید در پاسخ به تهاجم نظامی قبلی صورت گیرد. هرچند حمله پیشگیرانه در صورت صحت سنجی نیز، خود نوعی تجاوز محسوب می‌شود و سازمان ملل آن را فاقد وجاهت قانونی و به‌عنوان عملی غیرقانونی و نامشروع می‌داند. همچنین با استناد به بند ۳۳ پرونده کارولین، دفاع مشروع، مشروط به فراگیری و فوریت عملیات می‌باشد به طوری که تنها چاره، عملیات نظامی و پاسخ فوری به آن باشد که با مرور شرایط ورود سردار سلیمانی به عراق، نظریه ضرورت و تناسب دفاع پیشگیرانه نظامی امریکا مردود و نقض آشکار بند ۱ قطعنامه ضد تروریستی ۱۲۹۶ مصوب اکتبر ۱۹۹۹ شورای امنیت و بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد می‌باشد.

علاوه بر طرح دعوی علیه دولت امریکا، می‌توان نسبت به شخص ترامپ به استناد ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و دفاعیه قاضی آ.ا.ج.کسون ۱۹۴۵ سانفرانسیسکو که مقام و موقعیت متهم به‌عنوان مقام رسمی دولتی، شخص متهم را از مسئولیت کیفری مبری نمی‌کند، طرح دعوی نمود. راهکار حقوقی دیگری که در کیفر خواهی عوامل ترور سردار سلیمانی به نظر می‌رسد تشکیل دادگاهی منطقه‌ای و بین‌الدولی و بین‌المللی با انعقاد توافقنامه با مجمع عمومی سازمان ملل، سازمان همکاری اسلامی و... است تا عراق به‌عنوان کشور میزبان که اصل حاکمیت دولتش مورد تعرض قرار گرفته و ایران به‌عنوان کشور مهمان بر اساس اصل مصونیت افراد دولتها، به طرح دعوی



بایسته‌های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسی



رهیافت قانون اساسی؛ نابسندگی ذوالحدین «تعامل یا تقابل» در تحلیل گفتمان بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

خارجی محدود به یک قرائت اسلامی نیست و حتی در نظریات روابط بین‌الملل معاصر که صبغه غیردینی دارد طرفداران زیادی را به خود معطوف داشته است. دانشمندان حقوق و علوم سیاسی نظریه مربوطه را «نظریه رئالیسم» تعبیر می‌کنند. نظریه‌پردازان رئالیست نظیر جرج کنان و جی مورگنتا با تأثیر از آموزه‌های واقع‌گرایان کلاسیک همچون توسیدید، ماکیاو و توماس هابز، سرشت انسان را موجودی قدرت‌طلب، سوداگر و خودخواه می‌دانند که این امر جز با مقهور کردن رقبا پیش ممکن نیست. از این رو واقع‌گرایی در تحلیل مناسبات انسانی همچون روابط بین‌الملل، تضاد منافع عمیق میان کارگزاران را عاملی برای توسل به اقتدارگرایی دانسته است.^۳

گفتار دوم: در مقابل دیدگاه نخست، نظریه‌ای قرار دارد که رویکرد اصلی سیاست خارجی را مبتنی بر صلح و رفتار مسالمت‌آمیز معرفی می‌کند. این نظریه هم از خوانشی دینی و اسلامی برخوردار است و هم در نظریات سکولاریستی روابط بین‌الملل، تحت عنوان نظریه «ایدئالیسم»، صاحب‌نظرانی را به خود جلب نموده است. در میان علمای اسلامی، رویکرد مزبور این‌گونه توجیه می‌شود که اطلاق آیات جهاد با توجه به آیاتی که در مورد صلح وجود دارد مردود است و نمی‌توان به اطلاق ادعایی استناد جست. طبق این نظر قتال و جهاد با دشمنان زمانی مشروع است که ستیز و تهاجمی از طرف مقابل ظاهر شود و صرف کافر بودن نمی‌تواند مجوز قتال و نزاع باشد. این خوانش اسلامی از هویت سیاست خارجی دولت اسلامی دارای مشابّهت‌هایی با برخی نظریات روابط بین‌الملل است. نظریه «ایدئالیسم» از مهم‌ترین سنت‌های تئوریک روابط بین‌الملل است که بر این موضوع دلالت دارد. نظریه ایدئالیسم با تأکید بر نقش سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح و امنیت پایدار و حفظ وضع موجود انسان‌ها

اهمیت مطالعه حول ماهیت روابط بین‌الملل و بایسته‌های سیاست خارجی دولت‌ها، طیفی از دیدگاه‌های متنوع و گاهی معارض را نزد فیلسوفان سیاسی و دانشمندان حقوق و روابط بین‌الملل پدید آورده است؛ امروزه مجموعه این نظرات تحت عنوان «نظریات روابط بین‌الملل» بررسی می‌شود. در این نوشتار بر آنیم به ناکارآمدی و نابسندگی قرائت‌های معمول اسلامی و سنت‌های تئوریک روابط بین‌الملل در تحلیل هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم و با اتکا به اصول متعدد از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رویکرد متمایز حاکم بر حکمرانی بین‌المللی جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار دهیم. این مهم ذیلاً در ضمن پنج گفتار ارائه خواهد شد.

گفتار اول: مبتنی بر یک خوانش، رویکرد مطلوب در سیاست خارجی دولت اسلامی بر تقابل و تنش با دیگر بازیگران نظام بین‌الملل استوار است. این تلقی ضمن اینکه در میان کثیری از فقهای اسلامی و علمای دینی دارای طرفدارانی است، تلقی غالب شرق‌شناسان از هویت سیاست خارجی دولت اسلامی است. طبق این رویکرد، اصل اولی در سیاست خارجی دولت اسلامی بر قتال و نزاع با مشرکان و اهل کتاب استوار است و صلح و رابطه صلح‌آمیز حالتی خلاف قاعده و جنبه استثنایی دارد. از میان فقها آنان که «کفر» را -ونه «حربی بودن» را- علت وجوب جهاد ابتدایی می‌دانند با استناد به اطلاق آیات مرتبط با جهاد، قتال با مشرکان را تا زمان کشتن آن‌ها یا اسلام آوردن ایشان و همچنین قتال با کفار اهل کتاب تا پذیرش جزیه از جانب آن‌ها، اسلام آوردن و یا کشتن آن‌ها را لازم می‌دانند. در این میان حتی برخی این‌گونه نظر داده‌اند که آیات مرتبط با روابط مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان توسط آیات جهاد نسخ گشته‌اند.^۲ ادله طرفداران اصالت نزاع و قتال در سیاست

دوگانه «رئالیسم» و «ایدئالیسم» به عنوان مهم‌ترین تئوری‌های روابط بین‌الملل که هر یک به نحوی با دو خوانش اسلامی پیش‌گفته مطابقت پیدا می‌کند نیز واجد نارسایی‌های و نقص‌هایی است. در نقد الگوهای تحلیلی مذکور و عدم تناسب آن‌ها با چارچوب تحلیلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت نظریات اصلی روابط بین‌الملل به دلیل ابتنا بر اندیشه‌های سیاسی-فلسفی متفکرین غربی، برخوردار از پیش‌فرض‌ها و مبانی فرافرنسوی می‌باشد که معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی سکولار و مادی‌گرا در آن تعیین‌کننده است. درواقع نوع انسان‌شناسی و تبیین جایگاه انسان در هستی، کیفیت شناخت انسان از پدیده‌های جهانی و چگونگی تحصیل این شناخت، و نوع تحلیل و مواجهه اندیشه‌ای و بینشی با واقعیت‌های جاری در جهان اجتماعی و به‌طور خاص مناسبات بین‌المللی، تأثیر مستقیمی در ارائه چارچوب‌های تحلیلی الگوهای مطالعاتی در این عرصه دارد. ۵. ازاین جهت دستگاه نظریه‌پردازی اگر فاقد درک جامع از حوزه‌های یادشده باشد، هم در تبیین روابط و مناسبات و هم در توصیه و تجویز الگوهای رفتاری و ارائه منطق اقدام مناسب هر موقعیت، دچار نقص و نارسایی است و این صحنه از مناسبات انسانی را با آشفتگی روبرو می‌کند. به بیان دیگر نارسایی در تحلیل، به آشفتگی، بحران و ناکارآمدی در عینیت منجر می‌شود.

گفتار چهارم: از رهگذر نقد و بررسی رویکردهای مشهور و جمع ادله دینی از طریق قواعد مطلق و مقید می‌توان به رویکرد جدیدی رهنمون شد که می‌توان از آن به رهیافت اسلامی سیاست خارجی تعبیر کرد. رهیافتی که الگوی خاصی از نوع مواجهه با ملت‌ها و دولت‌ها در نظام بین‌المللی مشخص می‌کند و با تعیین اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هویتی متمایز را برای نظام جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل رقم می‌زند. از این رهیافت می‌توان به «رویکرد تعاملی ضد سلطه» تعبیر کرد. طبق این رهیافت، جمهوری اسلامی ایران مقارن با تعامل و مشارکت در نظام بین‌الملل علاوه بر اینکه در مقابل سیاست‌های استبدادی مستکبرین بین‌المللی مقاومت می‌کند در تلاش برای تضعیف هژمونی سلطه‌گران و استیلا جویان حرکت می‌کند. درواقع سیاست نفی سلطه نه صرفاً جهت تضمین منافع ملی جمهوری اسلامی که در راستای استقرار عدالت

و جامعه انسانی را موجودات عقلایی می‌دانند که برای حفظ صلح و جلوگیری از وقوع جنگ (جنگ میان کشورهای دموکراتیک و پایبند به ارزش‌های شایع لیبرالیستی)، به نقش کنترل‌کنندگی سازمان‌های بین‌المللی و الگوهای صادره از سوی آنان در ساماندهی روابط بین‌الملل، احترام می‌گذارند و در این صورت، این نهادهای حقوقی نیز حیوانات وحشی (دولت‌ها) جنگل (محیط روابط بین‌الملل) را با الزام به قوانین، در قفس جای می‌نهند. ۴.

گفتار سوم: با دقت در موازین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که از شریعت مقدس اسلامی نشأت می‌گیرد می‌توان دریافت الگوی مطلوب، نسبت به نظریات مشهور لایه شرط است. توضیح اینکه تلقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دوگانه تقابل یا تعامل، کاذب و ذوالحدین جعلی است و نمی‌توان الگوهای تحلیلی مذکور را چارچوب تحلیلی مناسبی جهت تبیین راهبردهای حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل تلقی کرد.

در راستای تبیین رویکرد مطلوب که مبتنی بر موازین اسلامی و همسو با رویکرد قانون‌گذار اساسی است ابتدا به تحلیل انتقادی رویکردهای مشهور و سپس به تبیین ماهوی رویکرد مطلوب خواهیم پرداخت. در تحلیل رویکرد تقابلی که مبتنی بر خوانش اسلامی با عنوان نظریه اصالت جنگ و قتال شناخته می‌شود می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل ایشان مبنی بر نسخ ادله صلح، مخدوش است. توضیح اینکه نسخ طریق مناسب برای جمع میان مفاد آیات مطلق و مقید نیست؛ زیرا خلاف اصل و همچنین نیازمند دلیلی محکم است و تنها زمانی می‌توان به آن تمسک جست که راه‌حل مناسب‌تری برای جمع میان مفاد آیات یافت نشود.

رویکرد تعاملی که در خوانش اسلامی با عنوان اصالت صلح شناخته می‌شود نیز واجد اشکالات اساسی است. مهم‌ترین معارض این مبنا را می‌توان ادله‌ای از آموزه‌های اسلامی دانست که با فراملی‌گرایی و جهان‌شمولی اسلام در تعارض قرار می‌گیرد. همچنین مبنای مذکور نمی‌تواند گویای نوع مواجهه دولت اسلامی ایران با اراده‌های متنوع نظام بین‌الملل باشد؛ چراکه اتخاذ رویکرد صلح‌آمیز با اراده‌های مستکبر نظام بین‌الملل نتیجه‌ای جز پذیرش ظلم و تضییع حقوق جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت.



فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۴، ص ۹۷.

فراگیر در نظام بین‌المللی دنبال می‌شود. طبق این تلقی تعامل یا تقابل هیچ‌یک نمی‌توان مبین رویکرد اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد بلکه تعامل ضد هژمون و ضد سلطه، رویکرد اولی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد.

گفتار پنجم: رویکرد پیش‌گفته در تحلیل هویت سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌وضوح انعکاس یافته است؛ به‌گونه‌ای که کسی نمی‌تواند ادعا کند هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یکی از دوگانه مشهور قابل تحلیل است مگر اینکه در مقام مغالطه، صرفاً به طیف خاصی از اصول استناد جوید. مهم‌ترین این گزاره‌ها عبارت‌اند از: «انقلاب اسلامی به‌مثابه حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین»، «گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی»، «هموار کردن راه تشکیل امت واحد»، «استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان»، «تضمین نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان»، «اصل عدالت الهی در خلقت و تشریع»، «کرامت و ارزش والای انسان»، «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کنشی»، «طرد کامل استعمار»، «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام»، «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان»، «حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان»، «سیاست ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی»، «کوشش پیگیر تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام»، «رعایت اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و توجه به حقوق انسانی غیرمسلمانان غیر حربی»، «نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری»، «دفاع از حقوق همه مسلمانان»، «عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر»، «روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب»، «آرمان سعادت انسان در کل جامعه بشری»، «حق مردم جهان بر استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل» و «حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان». بنابراین می‌توان مدعی شد تلاش برای القای دوگانه «تعامل یا تقابل»، «سازش یا تنش» و «میدان یا دیپلماسی» در گفتمان بین‌المللی ج.ا.ا، یک ذوالحدین جعلی است و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به حالت‌های متصور در این دوگانه، لا‌به‌شرط است. درواقع آنچه از مجموع این اصول قابل اصطیاد است همان رویکرد «تعاملی ضد هژمونیک‌گرایی مستکبران» است که از مجموع آموزه‌های قرآنی تأثیر گرفته است.

یادداشت‌ها

۱- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهرالکلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲۱، صص ۴۶-۴۷.

۲- ابن متوج، جمال‌الدین احمد (۱۳۴۴)، الناسخ و المنسوخ، شرح عبدالحسین قاری، تهران، کتابفروشی محمد، ص ۱۲۵.

۳- جکسون، رابرت و گئورینگ سورنسون (۱۳۸۳)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان و احمد تقی‌زاده، تهران، نشر میزان، ص ۶۳.

۴- همان، ۵۸-۵۹.

۵- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱)، مدرنیته و نظریه روابط بین‌الملل،

سعید نصرالله زاده

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم



یادداشت ۱۶

بایسته‌های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسی فرمانده سپاه قدس به منزله معاون نظامی وزیر امور خارجه

در منطقه با آگاهی از توان نظامی نیروهای مسلح و با لحاظ پیمان‌های نانوشته نظامی در برابر اراده ملت تسلیم‌شده و به مذاکره نشسته بودند وسعت دایره نفوذ نظامی سپاه قدس در منطقه به‌عنوان یک عامل بازدارنده جدی در برقراری موازنه قدرت در مذاکرات هسته‌ای مطرح بود.

سپاه قدس به فرماندهی سردار سلیمانی به تأسی از قانون اساسی نه تنها حفظ و حراست از مرزهای جمهوری اسلامی را بر عهده دارد بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان از حرم اسلام دفاع می‌کند. انجام عملیات برون‌مرزی با اتحاد نیروهای هم‌پیمان علیه استکبار عملاً این نیرو را به‌عنوان سربازان عرصه دیپلماسی نظامی در تحقق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب معرفی کرده است.

طراحی و اجرای عملیات نظامی در کشورهای محور مقاومت در برقراری موازنه در مذاکرات هسته‌ای نقش جدی داشت و به‌عنوان یک اهرم فشار در مذاکرات و موتور پیشران محسوب می‌شد. دیپلماسی نظامی حاصل از اقدامات سپاه قدس قدرت چانه‌زنی پشت میز را برای دیپلمات‌ها در برابر ادعاهای طرف‌های خارجی افزایش می‌داد و آن‌ها را به این واقعیت آگاه می‌کرد که جمهوری اسلامی توان به آتش کشیدن منافع منطقه‌ای آن‌ها را از طریق دیپلماسی نظامی با متحدان منطقه‌ای داراست.

اقدامات سپاه قدس در ایجاد اتحادیه‌های همکاری نانوشته

تحولات سریع و پی‌درپی جهانی و منطقه‌ای و تعمق در استراتژی‌های دخیل در امور داخلی و خارجی ضرورت طراحی یک دستگاه دیپلماسی چابک و قوی را ضروری می‌سازد. شرایط منطقه‌ای پس از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زنگ خطر آغاز تحولات بود تا اینکه پای بیگانگان به منطقه بیش‌ازپیش باز شد. حتی تغییر نگرش سیاسی غربی‌ها در خروج از منطقه به‌منظور کاهش فشار روانی افکار مردمی و سپردن کار به دست نیروهای بومی نیابتی از جمله داعش و امثال آن‌ها نیز پیوند مسائل نظامی به امور سیاسی را محکم‌تر می‌کرد.

تشدید فشارهای سیاسی بر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در بحبوحه بحران‌های منطقه‌ای از بیداری کشورهای عربی گرفته تا ظهور و بروز داعش نشان از نقشه شوم سیاستمداران غربی در اجرای نقشه زایمان منطقه داشت تا جایی که به وقاحت اوضاع منطقه را به درد زایمان تشبیه می‌کردند.

با این تفصیل دیپلمات‌های ایرانی در حالی برای مذاکره و مواجهه با شش کشور آماده می‌شدند که از یک‌طرف این مذاکرات در مه‌روموم‌های گذشته با فراز و فرودهایی مواجه بود و از سوی دیگر اوضاع منطقه غرب آسیا با قدرت‌گیری داعش بحرانی بود. در این میان پهنه ۱۲۶۶۷۴۳ کیلومترمربعی ایران تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی امن و در پی رشد و حرکت به سمت تعالی در پی استفاده از علوم مرز دانش و انرژی هسته‌ای بود.

از یک‌طرف، کشورهای خارجی با این برنامه علمی و رشد ایران مخالف بودند و از کشور مستعمره گونه سال ۱۹۷۸ میلادی اطاعت مطلق می‌خواهند. از سوی دیگر آن‌ها با ملاحظه رشد شتابان ایران در تمامی عرصه‌ها و نیز دایره نفوذ ایران



نظامی بین ملت‌های منطقه در پی ایجاد یک امت واحد اسلامی بود؛ لذا ابتکاری نوین در پیوند اعتقادات مذهبی، سیاست و امور نظامی محسوب می‌شد. این اقدامات عملاً موجب تشکیل پیمان‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌های همکاری شد. اتحادیه‌هایی از جنس باور به وحدانیت الهی، نبوت رسول (ص) و معاد که علی‌رغم این اعتقادات خود را در برابر همه انسان‌ها صرف‌نظر از جنس و رنگ و مذهب و نژاد مسئول می‌دانست. این رفتار عملی سپاه قدس و فرمانده آن بر مفهوم غربی حقوق بشر خط سیاه بطلان می‌کشید و حقوق و مکتب ساز چهره تمدن اسلامی با ادبیات بومی ملت‌های منطقه بود.

سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده سپاه قدس هر جا که ضرورت می‌یافت، در طراز یک دیپلمات کارگشته و برجسته ظاهر می‌شد. جذبه و جذابیتش از یک سو و تسلطش به آداب و فنون مذاکره در عرصه دیپلماسی از سوی دیگر به او قدرت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای در این میدان داده بود، که مکمل فرماندهی نظامی او بود.

سطح بالای تعاملات حاج قاسم با وزارت امور خارجه نه تنها موجب بازتاب تحولات نظامی به دستگاه دیپلماسی بود بلکه عملاً وی را تا سرحد معاونت نظامی وزارت امور خارجه مطرح می‌کرد که ضرورت بازتعریف مفهوم دیپلماسی نظامی و استفاده از توان این نیرو در پیشبرد اهداف سیاسی جمهوری اسلامی را در ساختن تمدن نوین اسلامی و امت واحد تبیین می‌کند.

پس از شهادت وی نیز این سنگر با همان استحکام نقش مهمی در ایجاد موازنه قوا در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد و جایگاه سپاه قدس و فرماندهی آن را به‌عنوان معاونت دیپلماسی نظامی وزارت امور خارجه در جایگاه ممتازی جلوه می‌دهد.



مهدی صفری

دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق

یادداشت ۱۷

بایسته‌های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسی

مبانی و اهداف سیاست خارجی را در خود به تصویر کشیده است. از این مبانی و اهداف بایسته‌هایی استخراج می‌شود که قوای حاکمه باید در روابط خارجی، در این چارچوب‌ها حرکت، و این بایسته‌ها را تأمین کنند.

۱. نفی هرگونه سلطه‌جویی سلطه‌پذیری

سلطه‌پذیری در جای جای دین مبین اسلام مورد نهی شدید قرار گرفته است که می‌توان از جمله‌ی آن به‌قاعده‌ی نفی سبیل^۱ تمسک جست. بنابراین هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.^۲

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.^۳

بنابراین یکی از الزامات تأمین قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری هست.^۴

۲. حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور

استقلال همه‌جانبه به معنای حفظ استقلال و مصونیت از

امروزه به‌ندرت پیش می‌آید که کسی نامی از روابط خارجی کشورها با یکدیگر در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشنیده باشد. در دنیای امروز به جهت افزایش وابستگی کشورها به یکدیگر و گسترش همکاری‌ها و روابط بین‌المللی، روابط خارجی کشورها افزایش یافته و تأثیر و تأثرات فراوانی برای طرفین به وجود آورده است. البته این نافی وجود این روابط در تاریخ گذشته جهان و مختص عصر ارتباطات و فناوری امروزی نیست. این روابط خارجی و ارتباطات بین‌المللی دریچه‌ای از تغییرات و تحولات راین کشورهای مختلف می‌گشاید که این امر موجب تأثیر و تأثرات فراوانی در حیطه داخلی و خارجی کشورها می‌گردد. این ارتباطات و روابط بین دول موجب انتقال مفاهیم و آثار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر می‌شود. به همین دلیل بسیاری از کشورهای مختلف که بر اساس مفاهیم و ایدئولوژی‌های مربوط به حاکمیت خود، پریزی شده‌اند، بر مبنای همین، الگوها و سیاست‌هایی را طراحی می‌کنند تا بتوانند در روابط مختلف خارجی، اهداف کشور و اساس حاکمیت خود را تأمین کنند و از خطرهایی که مبانی آن‌ها را تهدید می‌کند، مصون بمانند.

کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. با وجود فراز و نشیب‌های فراوان تاریخی و سلطه و استعمار خارجی که نظام فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی را در برهه‌های مختلف تحت تأثیر قرارداده و تحولات گوناگونی را در بستر تاریخ بر این سرزمین تحمیل کرده است، باعث اتخاذ تصمیم و سیاست‌های مهمی بعد از انقلاب اسلامی گردیده است.

بنابراین قانون اساسی که منبعث از جهان‌بینی توحیدی و بیان چارچوب حکومتی، که پیاده‌سازی حاکمیت دینی است،

۱- آیه ۱۴۱ سوره نساء: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

۲- اصل ۱۵۳ قانون اساسی

۳- اصل ۱۵۴ قانون اساسی

۴- اصل ۲ قانون اساسی

۵. عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر

دولت‌های مستکبر و سلطه‌گر به جهت سلطه‌جویی و استعمار و ضرر یا کشورهای مختلف رفتار می‌کنند. لذا سیاستی که جمهوری اسلامی در قبال این‌ها در پیش گرفته است، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.^{۱۱}



تعرض در همه شئون از جمله؛ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. همچنین است که در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند.^۵

۳. حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین

حمایت بی‌دریغ مستضعفان جهان^۶ از اهداف و کارکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. همچنین دفاع از حقوق مسلمانان^۷ و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان از مبانی سیاست خارجی کشور محسوب می‌شود.^۸

بنابراین قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (ان‌هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.^۹

۴. تصویب تصمیمات تعهدآور در مجلس شورای اسلامی

قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.^{۱۰} با این وجود هرگونه قراردادی که حاوی تعهد باشد باید از مسیر قانون‌گذاری کشور بگذرد و در غیر این صورت از اعتبار قانونی برخوردار نخواهد بود و در مورد این موافقت‌ها باید نمایندگان ملت در جریان امور قرار بگیرند تا دولت بر اساس تصمیم خود صرفاً عمل نکند.

۵- اصل ۹ قانون اساسی

۶- بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی

۷- اصل ۱۵۲ قانون اساسی

۸- اصل ۱۵۴ قانون اساسی

۹- مقدمه قانون اساسی، بخش شیوه حکومت در اسلام

۱۰- اصول ۱۲۷ و ۷۷ قانون اساسی

۱۱- اصل ۱۵۲ قانون اساسی



ابعاد حقوقی ترور شهید سلیمانی

سردار شهید سلیمانی به خاطر صفات برجسته انسانی ازجمله اخلاص، مردمی بودن، نبوغ برجسته نظامی و روحیه استکبارستیزی و... از شخصیت‌های محبوب و شاخص ملی و فرامرزی محسوب می‌شدند و همواره درصدد پیشگیری و الغای اقدامات پیش‌دستانه گروهک‌های تروریستی (داعش) بودند. درنهایت آمریکای جنایتکار نتوانست این شخصیت محبوب را برتابد و اقدام به ترور ناجوانمردانه این شخصیت

بزرگ نمود؛ با توجه به اصل یک‌صد و پنجاه ششم قانون اساسی قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی - اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار کشف جرم و تعقیب مجرم و مجازات مجرمین است. بنابراین ضرورت دارد با بررسی ابعاد حقوقی ترور ایشان به صلاحیت محاکم اعم از ملی، منطقه‌ای و فرا

منطقه‌ای پرداخته و درصدد انتقام خون ایشان برآییم.

وقتی جنابیتی در سطح بین‌الملل و خارج از مرزهای یک کشور اتفاق می‌افتد اولین موضوعی که ذهن انسان را درگیر می‌کند این است که آیا قوانین و محاکم ملی صلاحیت رسیدگی و مجازات نمودن عاملین آن جرم را دارند؟ ترور سردار دل‌ها نیز چون در خارج از ایران توسط عاملان بیگانه رخ داده است پای حقوق جزای بین‌الملل و صلاحیت تکمیلی که فرع و استثنائی بر اصل صلاحیت سرزمینی محسوب می‌شود را به میدان می‌کشاند که ما در این پژوهش جهت به محاکمه کشاندن

عاملان و آمران ترور شهید سلیمانی به فصل دوم از قانون مجازات اسلامی تحت عنوان قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان استناد می‌کنیم و در عرصه منطقه‌ای به اصل صلاحیت سرزمینی محل وقوع جرم یعنی عراق استناد می‌کنیم و در عرصه فرا منطقه‌ای نیز به بررسی عضویت یا عدم عضویت کشور ایران به‌عنوان کشور تبعه مقتول، کشور عراق به‌عنوان محل وقوع جرم و آمریکا به‌عنوان تبعه مجرم پرداخته، و در عرصه

بین‌المللی نیز دیوان کیفری بین‌المللی و صلاحیت موردی یا اختصاصی دیوان، اقدامات شورای امنیت و درنهایت طرح موضوع در دیوان بین‌المللی دادگستری می‌پردازیم.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مطابق قوانین ایران ازجمله اصل صلاحیت شخصی منفعل ماده

۸ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان کشور تبعه مقتول به‌شرط اعاده و یافت شدن عاملان جنایت صالح بوده و طبق صلاحیت واقعی ماده ۵ قانون مجازات اسلامی صالح است و از حیث منطقه‌ای ماده ۶ قوانین جزایی عراق و در عرصه بین‌المللی نیز صرفاً دیوان بین‌المللی دادگستری صالح خواهد بود؛ چراکه از موضوعات حصری مورد طرح در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ازجمله جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، تجاوز و جنایت جنگی نیست و قضیه در شورای امنیت نیز در صورت طرح با وتو آمریکا روبه‌رو خواهد شد. بنابراین تنها مرجع صالح در عرصه بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری است.





جهانگیر نیکخواه

دانش آموخته کارشناسی رشته حقوق دانشگاه پیام نور واحد گیوی در استان اردبیل

یادداشت ۱۹

حق دفاع مشروع ایران در پرتو قانون اساسی در پیگیری پرونده شهید سلیمانی و خلاء قانونی حقوق بین الملل در این راستا

ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر "حق حیات" تاکید و طبق همین ماده، چشم پوشی مصرح نیروهای نظامی آمریکا، بدون اعمال قانون فوق و خارج از چارچوب حقوق بین الملل، حق حیات افراد را سلب و با طراحی و اجرای ترور هدفمند اقدام نموده و ضمن اینکه در بند ۴ منشور ملل متحد، اصل "منع توسل به زور" مورد تاکید قرار گرفته است که از این رو، نیروهای نظامی آمریکا به دستور مستقیم رئیس جمهور کشورشان، با سلب حیات و کشتار فرا قانونی، موازین حقوق بین الملل را نقض کرده اند و ضمن اینکه این عمل خودسرانه، به شکل نامشروع شکل گرفته و خلاف اصول حقوق بشری این جنایت در ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است.

توجیه آمریکا از ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی خلاف قوانین بین المللی بوده و اقدامات آمریکا و اتخاذ تصمیم حمله نظامی بدون رضایت دولت میزبان، حاکمیت مشترک کشور ایران و عراق را نقض کرده و این عمل، نمونه بارز مداخله در امور داخلی و بین المللی کشور عراق بوده و نقض مجدد اعلامیه عدم مداخله در امور داخلی دولت ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۱ را محکوم کرده است و این عمل آمریکا نقض قوانین کشور عراق را با هدف قرار دادن یک مقام بلندپایه و رسمی کشور ایران مرتکب شده است، حمله آمریکا با هر عنوان مغایر با منشور سازمان ملل متحد می باشد و این عمل، یک عملیات متجاوزانه و استفاده پیشگیرانه از زور تلقی شده و بهانه های توجیهی آمریکا در این حمله مورد پذیرش قوانین بین المللی نبوده اما وجود خلاء های قانونی در نظام حقوق بین المللی، امکان پیگیری مستقیم ایران از مجامع بین المللی را نمی دهد و با توجه به اختلافات عمیق

حمله هدفمند پهبادهای نظامی آمریکا از پایگاه عین الاسد مستقر در کشور عراق، با مصاد جمعاً ۱۳ آدی ماه سال ۱۳۹۸ برابر با ۲۰ ژانویه ۲۰۲۰ به سردار شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نزدیکی فرودگاه بغداد که به دعوت رسمی نخست وزیر عراق، به عنوان مهمان رسمی به این کشور سفر کرده بود، نشان نقض فاحش موازین و قواعد حقوق بین الملل از سوی آمریکا است و به دنبال این حمله، وزارت دفاع آمریکا، آمر این عملیات تروریستی، مسئولیت این ترور را با این ادعان برعهده گرفت که این اقدام به دستور مستقیم دونالد ترامپ رئیس جمهور این کشور صورت گرفته و این در حالی است که از منظر حقوق بین الملل، این ترور هدفمند، اصول متعدد منشور سازمان ملل متحد را به صورت آشکار، زیر پا گذاشته و از طرفی دولت تروریسم ضمن مداخله مستقیم در امور داخلی کشور میزبان و ارتکاب این تجاوز، تهدید قطعی صلح و امنیت منطقه را به مخاطره انداخت و باید در نظر داشت که بر اساس نظریه حقوق بشردوستانه، درمخاضات مسلحانه، حق هدف قراردادن از هنگام درگیری مسلحانه و از لحظه آغاز جنگ شکل می گیرد و در ترور سردار قاسم سلیمانی برنامه از قبل طراحی شده و هدفمند بود و دولت تروریسم نمی تواند تنش های دیپلماتیک را آغازگر ترور بداند چرا که در زمان انجام این ترور درگیری مسلحانه بین دو کشور ایران و آمریکا وجود نداشت و دولت خودکامه آمریکا با دستور خودسرانه، سردار حاج قاسم سلیمانی و کاروان همراه وی را مورد هدف مسلحانه خود قرار داده است.

استفاده از زور و یا تهدید در عرصه بین المللی و احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی حاکمیت کشورها، براساس ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد ممنوع بوده و همواره در

بین ایران و ایالات متحده آمریکا، امکان طرح این موضوع و پیگیری حقوقی در کنوانسیون های بین المللی را نمی دهد و فقط پیگیری این موضوع از نظر دیپلماتیک و سیاسی میسر می باشد.

استمرار حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه و تحمیل سیاست سلطه جویانه این کشور در منطقه خاورمیانه از جمله عراق، که این حضور یکجانبه گرایی، برای مدت طولانی، نفوذ مستقیم آمریکا و عدم تعهد این کشور به حقوق و معاهدات بین المللی و اعمال اهداف خود در خاورمیانه بوده و به نوعی منجر به رسمیت یافتن این کشور می شود درحالیکه اقدامات ددمنشانه و متخاصم ارتش آمریکا در پایگاههای نظامی منطقه، نقض موافقت نامه امنیتی سال ۲۰۰۸ میان کشورعراق و ایالت متحده آمریکا بوده و برابر بند ۳ از ماده ۳ همین توافقنامه که اشعار میدارد، حضور آمریکایی ها در عراق باید مطابق قوانین، عرف ها، سنت ها و حقوق بین الملل باشد و از طرفی در بند ۳ ماده ۲۷ به صراحت قید شده است که قلمرو عراق نباید برای حمله سایرکشورها مورد استفاده قرار گیرد درحالیکه با عمل تجاوزکارانه و نقض آشکارحاکمیت عراق، با حمله پهباد نظامی بدون سرنشین برای ترور ابومهدی المهندس اتباع عراقی و میهمان رسمی این کشور سردارسیهید حاج قاسم سلیمانی، به نقض موافقتنامه نموده است.

استفاده نیروهای نظامی آمریکا از پرواز هواپیمای بدون سرنشین در این عملیات تروریستی و مورد هدف قرار دادن مقامات رسمی کشورایران و عراق، و از آنجائیکه پهباد، یکی از ابزارهای غیرقانونی بوده و استفاده از این نوع ابزار در ترورهای هدفمند، به منزله کشتارخودسرانه تلقی می شود وهمواره فاقدمشروعیت قانونی است و ترورهدفمند را می توان از منظرحقوقی ارزیابی نمود که نیروهای نظامی آمریکا در یک اقدام قهری با برنامه ریزی قبلی برای تروردولتی سردارحاج قاسم سلیمانی اقدام کرده اندو این اقدام آمریکا از جنایت جنگی به شمار می رود وعاملان این ترور طبق بند ۲ ماده ۵ اصلاحی اساسنامه دیوان کیفری بین المللی قابل تعقیب کیفری می باشدکه در اساسنامه این دادگاه نیز آمده است که رسیدگی به جنایات کیفری را دربرمی گیرد که این ترور، صلح و ثبات سیاسی و نظم بین المللی را همواره از هم گسیخته و منطقه را به مخاطره می اندازدو این دلیل کافی است که آمریکا نقض اصول منشورسازمان ملل متحد را زیرپا گذاشته است.

جایگاه جبران خسارت معنوی در حقوق بین الملل در کنوانسیون ۱۹۳۰ در خصوص مسئولیت دولت ها را مورد توجه قرارداده است و در این خصوص وخسارت در حقوق بین الملل که در این زمینه به صورت مستقل بحث نکرده اما در ماده یک لایحه اشعار می دارد که هر عملی که از نظر حقوق بین الملل، غیرقانونی و نامشروع تلقی شود و از کشوری سر بزند، مسؤولیت بین المللی آن کشور را مطرح می نماید از منظر خسارت معنوی که با استناد به آن می توان جریحه دارشدن عواطف و احساسات ملت ایران و مسلمانان منطقه اشاره کردو این موضوع را مبنای حقوقی قرارداد و از این حیث به مجامع بین المللی طرح دعوی نمود.

با بررسی حقوق بین الملل و وجود برخی خلاء های قانونی در

این زمینه، اقدام موثر و پیگیری جمهوری اسلامی ایران درحوزه بین المللی برای احقاق حق را کم می کند و از آنجائیکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد می توانست اقدام موثر در این موضوع داشته باشد ولی ماهیت این نهادها سیاسی بوده و آمریکا به عنوان جنایتکار این ترور در اکثریت این نهادهای بین المللی حضور و نفوذ چشم گیری داردو آمریکا با نفوذ خود، اجازه رسیدگی در مجامع بین المللی را نمی دهد و از همه مهمتر اینکه نیروهای نظامی آمریکا در خارج از قلمرو سرزمینی مرتکب این جنایت شده اند و ترور مقام و مسئول یک کشور از منظر قوانین بین المللی، فاقد وجاهت قانونی است.

بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان مورد توجه قرار گرفته و در این راستا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از نهادهای حمایتی از مستضعفان و برای گسترش عدالت در سراسر جهان، مبارزه با تروریسم و دفاع از شرارت های مسلحانه، از وظایف ذاتی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و به خصوص نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بوده و راهبردهای این تشکل، نقش تعیین کننده دارد و بر همین مبنا، ایران براساس مواد ۴۹ و ۵۰ در طرح مسئولیت بین المللی دولتها که همین مواد در سازمان ملل متحد تصویب شده است به ایران حق اقدام متقابل را می دهد و ایران می تواند به موجب "دفاع مشروع" که حق ذاتی و طبیعی کشورها شناخته شده است را اعمال نماید و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۸ دی ماه سال ۱۳۹۸، منطبق با بند ۵ منشورسازمان ملل متحدبا اقدامات متناسب در دفاع از خود، در یک عملیات انتقام جویانه با شلیک ۵۰ موشک بالستیک کوتاه برد "قیام" که این موشک از کلاس جدید موشک های ایرانی است، دو پایگاه آمریکا در عراق شامل، عین الاسد و اربیل را مورد هدف نظامی خود قرار داد و بی شک این انتقام، حق مشروع جمهوری اسلامی ایران بود.



سید صدرالدین طباطبایی

کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

یادداشت ۲۰

نقش شهید سلیمانی در تحقق اهداف قانون اساسی در حوزه سیاست خارجی

را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خودسرپرست قرار بده. و از برای ما از طرف خودیار و یاوری تعیین فرما»

و نیز پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «

مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا لِلْمُسْلِمِينَ قَلَمٌ يُجِبُهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ،
«پس اگر مسلمانی صدای استغاثه فردی را بشنود که از او طلب یاری می‌کند و او را یاری نکند مسلمان نیست»؛

حضرت علی (ع) نیز در نامه‌ای خطاب به فرزندان‌ش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌فرماید: «كونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»، «همیشه دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید».

نقش کلیدی شهید حاج قاسم و جریان مقاومت در دفاع از مردم مظلوم فلسطین که مهر و موم‌های متمادی قربانی زورگویی و خونریزی رژیم غاصب صهیونیستی بودند را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین هدف سردار شهید و نیروهای تحت امر ایشان در جریان مقاومت دانست و در طول این مبارزه مقدس می‌توان به حضور ایشان در سوریه و عراق و مبارزه با داعش خونریز و تربیت‌شده صهیونیست پرداخت و از منظر قانون اساسی ج.ا.ایران آن را مورد ارزیابی قرارداد.

بنیان سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نخستین روزهای به پیروزی رسیدن آن همان‌طور که در کلام امام خمینی (ره) بیان می‌گردید: «تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم؛ نه ظالم باشیم و نه مظلوم. ما در طول تاریخ مظلوم بودیم. از همه جهات مظلوم بودیم. و ما امروز می‌خواهیم که مظلوم نباشیم؛ و ظالم هم نباشیم. ما تعدی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد؛ و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد، و نباید بکنیم. تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد، و

یکی از موضوعات مبنایی و حائز اهمیت در قانون اساسی نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها و به عبارت روشن‌تر مبنای سیاست خارجی ست، که در بند ۱۶ اصل سوم از قانون اساسی «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» به‌وضوح این موضوع بیان گردیده و نیز در اصل ۱۵۴ قانون اساسی در باب سیاست خارجی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» که در این اصل مسئله به‌صورت کامل‌تری بیان و مورد تأکید قرار گرفته است.

در این میان می‌توان نقش شهید شهید حاج قاسم سلیمانی را به‌عنوان فرمانده جریان مقاومت در تحقق بخشیدن به اصول قانون اساسی مورد بررسی و تأمل بیشتری قرارداد.

شهید حاج قاسم سلیمانی که در این عصر به‌درستی به‌عنوان اسطوره‌ای دینی و فراملی معرفی می‌شود در تحقق بخشیدن به این مبنای مهم قانون اساسی به‌ویژه دفاع از مستضعفان جهان؛ که برگرفته از آموزه‌های دین مبین اسلام و قرآن کریم هست نهایت تلاش خود را مبذول داشت؛ خداوند متعال در آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «وما لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها واجعل لنا من لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا» «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند خدایا ما



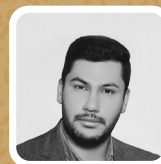
نباید بکنیم. لکن از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم.» و سپس در قانون اساسی در اصول مختلف از جمله اصل ۱۵۴ مورد تأیید ملت مسلمان ایران قرار گرفته است؛ مبتنی بر نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، دفاع از تمامیت ارضی و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان است که نمود آن را در برهه‌های گوناگون تاریخ چهل‌وسه‌ساله انقلاب اسلامی می‌توان ملاحظه نمود؛ از دفاع مقدس گرفته تا دفاع از مردم مسلمان بوسنی و هرزگوین و دفاع از مردم تحت ستم فلسطین و همکاری با حزب الله لبنان برای مقابله با رژیم صهیونیستی و در نهایت در مبارزه با داعش تروریست و در حقیقت با تشکیل‌دهندگان داعش یعنی امریکای جنایتکار که یکی از اهداف اصلی آنان تسخیر و تجربه ایران اسلامی بود.

بررسی این مسائل نشان‌دهنده تبعیت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و جریان مقاومت از میثاق ملی مردم ایران در خصوص دفاع از مستضعفان جهان هست.

دفاع و آزادی ایزدیان سوریه را که نه اشتراک دینی و نه اشتراک ملی با سردار شهید داشتند را می‌توان به‌عنوان نمونه بارز دفاع از مظلومین جهان فارغ از هر نوع اشتراک و صرفاً بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب دفاع از مستضعفان جهان و در راستای حقوق بشر قلمداد کرد.



نقش شهید سلیمانی در تحقق اهداف قانون اساسی در حوزه سیاست خارجی



محمد رضا زاده نجف

دانشجوی مقطع دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

یادداشت ۲۱

تحقق امت اسلامی در پرتو اقدامات سردار شهید سلیمانی

۱- امت اسلامی

دولت-کشور پدیده‌ای است که از سه عامل ملت، سرزمین و قدرت سیاسی تشکیل شده است؛ اما در مکتب اسلام این سه رکن به صورتی متفاوت آمده‌اند؛ اگر بخواهیم دولت-کشور را از دیدگاه اسلام جست‌وجو کنیم باید به سراغ کتاب آسمانی و سنت پیامبر برویم. در دیدگاه قرآن حاکمیت مخصوص ذات باری تعالی است. او اگر بخواهد می‌تواند زمام اختیار فرمانروایی را به دیگران تفویض نماید و هر وقت بخواهد بازستاند. (قاضی، ۱۳۹۸، ۱۴۸). از سوی دیگر رسالت پیامبر اکرم نیز پایه‌گذاری امت اسلامی است. و به حق که آن حضرت توانستند با تلاش خویش بهترین و آرمانی‌ترین نوع دولت را در طول تاریخ ایجاد کنند دولتی که تجسم کامل مبادی و مبانی تشکیل یک دولت صالح بود. (پروین، ۱۳۹۰، ۲۵۰) بعد از رحلت پیامبر در میان مسلمانان من‌باب مسئله جانشینی اختلاف حاصل گشت از منظر اهل سنت خلافت امری انتخابی است که توسط اهل حل و عقد یا تعیین جانشین از توسط خلیفه یا استخلاف است. اما از دیدگاه شیعه، پس از پیغمبر وصی بر حق او حضرت علی (ع) به امامت می‌رسیدند و پس از ایشان فرزندان وی بر حسب تعیین امام. (موسی زاده، ۱۳۹۵، صص ۸۵-۸۶) دولت کشور از منظر اسلام به چه معناست؟ از منظر اسلام دولت-کشور مفهومی است که به جای ملت از امت تشکیل شده است امت نیز صرفاً جنبه عقیدتی داشته و با ملت از این حیث که بر مشترکات نژادی، تاریخی، فرهنگی و ... تکیه می‌کند متفاوت بوده و مرز میان امت نیز مرز عقیده است یعنی هر کس بر یگانگی خداوند و پیامبر اسلام معتقد باشد در درون امت قرار می‌گیرد و همبستگی میان این امت وسیله‌ای ایمان است. (قاضی، ۱۳۹۸، صص ۱۴۹-۱۵۱) در واقع به جای سرزمین که دارای مرز جغرافیایی باشد؛ مرز عقیده دینی قرار دارد در این بینش قطعه‌بندی کره زمین به کشورهای مختلف و قرار دادن مرز دیگری معنی خواهد بود لذا دولت-کشور از دید اسلام جنبه ماوراء ملی دارد و می‌توان

آن را دولت عام ملل تلقی نمود. از این حیث امروزه تمامی کشورهای اسلامی به‌عنوان جزئی از امت اسلامی در پی تحکیم امت اسلامی در مقابل کفار هستند. نظریه امت-امامت که در قانون اساسی جمهوری اسلام به‌خوبی بیان شده است در مقابل ایده سکولار دولت-ملت قرار می‌گیرد. (آجرلو و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۱). به سخنی دیگر امت اسلامی فارغ از رابطه تابعیت و اقامت عمل می‌کند امت شامل هر فرد در هر کشور می‌گردد که مسلمان باشد؛ با توجه به آنکه در دولت-کشور اسلامی مرزبندی جغرافیای معنای خود را از دست داده و جنبه ماوراء مرزی پیدا کرده است؛ مسلمانان در هر نقطه از جهان باید در جهت مصالح مسلمان عمل کرده و در حفظ و حمایت از آن کوشا باشند؛ از این حیث دولت جمهوری اسلامی ایران زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان جهان را وظیفه خود می‌داند. این موضوع در اصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی بیان گردیده است: به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. در واقع جمهوری اسلامی ایران به دنبال وحدت جهان اسلام در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این اصل نیز در راستای تحقق این هدف است. (ارجینی، ۱۳۸۹) با توجه به بندهای پیشین معنا و مفهوم امت اسلامی مورد مذاقه قرار گرفت؛ در ادامه به بررسی اقدامات سردار شهید سلیمانی در جهت تحقق امت اسلامی پرداخته خواهد شد.

۲- اقدامات سردار سلیمانی

سردار شهید سلیمانی به‌عنوان نماد مقاومت مایه فخر و افتخار امت اسلام اقدامات متعددی را در طول دوران دفاع مقدس و در دوران معاصر اقدامات متعددی را در جهت ایجاد صلح و



نقش به سزایی را ایفا نموده است؛ درواقع اعمال وی در سیاست خارجه حاکی از تحقق آرمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی است در نگرش منافع ملی و فراملی در یک تراز قرار می‌گیرند و تأمین حقوق هر یک از این دو معادله تأمین حق دیگر را به همراه خود خواهد داشت. (کیانی و امیری، ۱۳۹۸، ۱۲۸). کوتاه‌سخن آنکه اگرچه دفاع از مسلمانان و مستضعفان در خارج از مرزهای ایران نفع غیر ملی و جهانی را به همراه دارد اما در نگاهی آینده‌نگر نفع ملی را به همراه خواهد داشت درواقع سیاست‌های نظامی سردار صلح در قالب خدمت به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دفاع از همه مسلمانان جهان را وظیفه خود می‌داند. این موضوع در همان معنای جامعه ملل و ماوراء ملی امت اسلامی قرار می‌گیرد.

منابع:

۱. آجلو، اسماعیل و بهادری جهرمی، علی، (۱۳۹۴)، «از کشور اسلامی تا امت اسلامی- واکاوی مفاهیم حقوقی- سیاسی جهان اسلام»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، صص ۳۲-۹.
۲. ارجینی، حسین، (۱۳۸۹)، جایگاه اصل حمایت از مستضعفان و مظلومان در روابط خارجی دولت اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی، صص ۶۷-۹۲.
۳. امیری، سروش و کیانی، جواد، (۱۳۹۸)، گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین الملل، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، صص ۳۰-۹.
۴. پروین، خیراله، (۱۳۹۰)، مبانی حقوق عمومی، تهران: سمت، ج سوم.
۵. جاوید، محمد جواد و محمدی، (۱۳۹۵)، عقل، ارزیابی قابلیت اجرایی اصل ۱۵۴ قانون اساسی (ج ۱). در حقوق بین الملل معاصر، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی.
۶. قاضی، ابوالفضل، (۱۳۹۸)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، ج ۱۵.
۷. موسی‌زاده، ابراهیم، (۱۳۹۵)، تاریخ حقوق عمومی، تهران: میزان.

امنیت در منطقه غرب آسیا به انجام رسانیده است که این مجموعه اقدامات، ایشان را تبدیل به چهره‌ای بین‌المللی کرده است. اقدامات سردار شهید مطابق با سیاست خارجه جمهوری اسلامی و همین‌طور در جهت احقاق اهداف امت اسلامی بوده است. مبارزه و انهدام نیروی تروریسم داعش در عراق و سوریه پیامدش صلح و امنیت و تحقق بخش کرامت انسانی، حقوق بشر و وحدت اسلامی بوده است. در امت اسلامی باید روابط خود را با سایر دولت-کشورها بر اساس عدل و عدالت تنظیم نمود و برای رسیدن به اهداف امت اسلامی و تألیف قلوب مسلمانان به حمایت از تمامی مسلمانان و مستضعفان جهان در هر نقطه از جهان اقدام کرد. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استمرار مبارزه در جهت نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان آمده است. در بند ۱۶ اصل سه آورده شده است که سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان جهان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان تنظیم می‌گردد. در اصل ۱۵۲ نیز بیان گردیده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند؛ و از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان حمایت می‌کند. حمایت از مستضعفان جهان در اصول متعدد قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است؛ مسیری که سردار شهید سلیمانی آن را به بهترین نحو ممکن به انجام رساندند مطابق به اصول فوق‌الذکر بوده است. درواقع ایشان را می‌توان سفیر صلح نامید. مبارزه با تروریسم مورد حمایت آمریکایی درواقع همان مبارزه حق طلبانه علیه مستکبران است؛ که به‌عنوان یک ارزش انسانی و اسلامی در دیدگاه مسئولان جمهوری اسلامی و همچنین ملت ایران دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است. (جاوید و محمدی، ۱۳۹۵، ۸۹). شهید سلیمانی در مقام فرماندهی نیروی قدس به فکر تأمین امنیت در سطح فرامرزی بوده است و در تأمین بخشی از نیازهای کشورهای عراق، لبنان، سوریه، فلسطین، افغانستان و یمن



سیدهدی موسوی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

یادداشت ۲۲

شهید سلیمانی؛ سرباز ولایت و مجری قانون اساسی در دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان

صراحت بی‌نظیر قانون اساسی در وضع تکالیف و وظایف حکومت اسلامی در خصوص گفتمان حمایت از مستضعفان جهان که بینشی به‌مراتب وسیع‌تر نسبت به نگاه خاص حمایت توأم با نگاه به تعلقات مذهبی و شمول تکالیف به حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان فارغ از تعلقات دینی، ملی و فرهنگی‌شان و نیز حمایت بی‌دریغ از مستضعفان سراسر دنیا مصرح در اصل ۳ و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان که در اصل ۱۵۴ بدان اشاره شده حاکی از عزم جدی قانون‌گذار اساسی و تکلیف جدی حکومت اسلامی در این راستا دارد که در نوع خود کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر است.

تمامی اصول مذکور که صحبت از دفاع از مسلمانان مظلوم جهان همچنین حمایت از مستضعفان جهان در سرتاسر عالم در قانون اساسی دارد نشان از اهمیت اتحاد جامعه اسلامی در برابر ظالمان در هر نقطه جهان دارد. البته قانون‌گذار عادی نیز در نظام حقوقی ایران نسبت به امور فوق بی‌تفاوت نبوده و ضمن اهتمام جدی در این خصوص دو قانون نیز مرتبط به همین اصول، آرمان‌ها و ارزش‌ها تصویب نموده است. که از آن جمله می‌توان به قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین که در تاریخ ۱۳۶۹/۰۲/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است اشاره کرد.

اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی که همواره در اندیشه‌های رهبری معظم نظام تبلور داشته و به‌صراحت در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مورد اشاره قرار گرفته است مبتنی بر همین نگرش قانونی بوده و به دنبال القای این نظریه می‌باشد که حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی ایران خصوصاً در غرب آسیا موجب تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر نظام سلطه بوده و نظام سلطه را در زورگیری از مظلومان و مستضعفان جهان ناکام گذاشته و زمین‌گیر کرده است.

گفتمان حمایت از مستضعفان در سرتاسر جهان، از آرمان‌های منحصربه‌فرد انقلاب اسلامی ایران است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان اولین قانون اساسی در جهان دانست که آرمان تحقق سعادت انسان در کل جامعه بشری را سرلوحه خود قرار داده است.

حمایت از مظلومان جهان، آرمان والای انقلاب اسلامی است که علی‌رغم نمود آن در اهداف ابتدای نهضت، در مقدمه، بند ۱۶ اصل سوم و اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته است.

به‌موجب بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای تحقق نظام اسلامی مبتنی بر «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسودیت او در برابر خدا» و «نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» سیاست خارجی کشور را بر اساس «معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» تنظیم نماید.

بر اساس اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم نیز «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» این نگاه بی‌نظیر قانون‌گذار اساسی در حمایت از مستضعفان و مظلومان عالم تکالیف و ظرفیت‌هایی را برای حکومت اسلامی در راستای ایفا و اجرای این آرمان اصیل نظام اسلامی ایجاد می‌کند و حول محور این هدف، انقلاب اسلامی را فراتر از مرزهای ایران اسلامی امتداد داده و آن را همچون حلقه‌ای با تمام جنبش‌های اسلامی و بلکه کلیه خیزش‌های رهایی‌بخش مرتبط می‌سازد.



می‌کرد و آن عمل به دستورات ولی امر بود. این نوع نگاه شهید سلیمانی به اقدامات ظلم ستیزانه در حمایت از محرومان جهان بود که عملکرد وی را مؤثر و نتیجه‌بخش ساخته بود. به گونه‌ای که بسیار جلوتر و قوی‌تر از سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه جمهوری اسلامی ایران را بر سردمداران نظام سلطه و همکاران خائن آن‌ها در منطقه دیکته می‌کرد و آن‌ها را وادار به پذیرش جایگاه و حرمت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جهان و منطقه می‌کرد و باعث شد که حساب ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران در معادلات بین‌المللی قائل شوند. این عملکرد فعالانه، قانونمند، خالصانه و مهم‌تر از همه انقلابی و ولایی شهید سلیمانی بود که به حق باید او را سربرازی برای رهبری نظام در اجرای قانون اساسی بنامیم. پایان کلام را بخش‌هایی از وصیت‌نامه این شهید بزرگوار که در واقع راز و نیاز او با خدای خویش و بیان سرمایه دنیوی خود یعنی حمایت از مظلومان است قرار می‌دهیم «... همراه خود دو چشم بسته آورده ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه (ع) است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در جنگ ظالم».

در این میان نباید از نقش افراد شاخص مؤثر در این جریان غافل شد. افرادی که در لباس سرباز، ولی در شکوه یک امت به وسعت امت اسلامی برای تحقق این مهم نقش آفرینی کردند. شهید سلیمانی عزیز از این جنس افراد بود. این شهید تا زنده بود برای عمل به این الگوهای انقلابی و قانونی تعریف‌شده در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران همچون سربازی بی‌ادعا و مخلص صحنه‌گردان مبارزه با زورگویی در مقابل مستضعفان جهان بود. نقش بی‌بدیل او در مبارزه با داعش و مدیریت انقلابی او با تأسی از فرمایشات رهبری نظام و نگاه نافذ او به آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی تجلی‌یافته است، نمونه‌ای از ده‌ها اقدام انقلابی این شهید بزرگوار در طول حیات شریف و در جریان مبارزات انقلابی بود.

اگرچه اقدامات این سردار بزرگ با رعایت چارچوب‌های قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران خصوصاً اصول مصرح قانون اساسی در حمایت از مظلومان و مستضعفان صورت پذیرفت، اما تفاوت شاخصی که این اقدامات با سایر اقداماتی که به نام دفاع از قانون اساسی صورت گرفته و می‌گیرد و گاهی نتیجه مطلوب را به همراه ندارد ولایت‌پذیری این شهید بزرگوار بود. اگرچه صورت اقدامات، مبتنی بر الگوهای تعریف‌شده قانونی بود، اما سردار عزیز در انجام این امور، معنا و هدف بالاتری را دنبال



محمدرضا مرادیان نیری

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام

یادداشت ۲۳

همو تجسم و تجسد تام و تمام روح قانون اساسی مان بود...

(پرده اول)

جهان پهلوانان باشد، اما جهان پهلوان شدن هم رسم و عادتِ مردمان نیست، چنان که ذکر شد در شاهنامه با آن تعدد پهلوانان و دلاوران، تنها رستم را بدان وصف می‌یابیم و جهان پهلوان کسی نیست جز جامع و عصاره‌ی ارزش‌های دینی، میهنی و تاریخی زمانه خود.

(پرده دوم)

عمق و ژرفای نهادها، مفاهیم و مقولات در علوم انسانی نظیر اکثر دیگر علوم، بر ما هویدا نمی‌شوند مگر با گذر زمان و تراکم تجربه و تأملات متفکران، اساساً یکی از وجوه تعدد نظر در تحلیل مفاهیم و نهادهای علوم و امور انسانی نیز توجه به همین نکته است.

بدین لحاظ جایی که نظریه‌ریزی به حوزه مفهوم قانون و قانون اساسی کشیده می‌شود دیگر غریب به نظر نمی‌رسد تا با آراء و نظریاتی در حال تحول و تکامل مواجه باشیم، دیرزمانی قانون اساسی تنها مجموعه‌ای از قوانین عالی و کلی قلمداد می‌شد که تفاوت آن با دیگر قوانین، جدا از کلیت و علو، تمایز مرجع تصویب و تفسیرش بود. آنچه در تعاریف مشهور قانون اساسی چشم‌نواز جلوه می‌کرد عباراتی چون "مظهر قرارداد اجتماعی"، "برتری قوه موسس"، "راس هرم سلسله مراتب قوانین"، "عالی‌ترین سند حقوقی" و... از این قبیل اشارات بود.

در روند توسعه علم حقوق و سیاست، از این تعاریف حداقلی شکلی قانون اساسی به تعاریفی ماهوی از قانون اساسی رسیده‌ایم، جایی که قانون اساسی به مثابه "روح حاکم بر جامعه سیاسی"، "ميثاق فکری، فرهنگی و تاریخی یک ملت"، "فصل مشترک و حد وسط ارزش‌ها، منش‌ها و کنش‌های مختلف جامعه" و... قلمداد می‌شد. از این منظر دیگر سرشت قانون اساسی بر آن نیست که صرفاً مجموعه از گزاره‌های اخباری و انشائی باشد بلکه اگر هم اخبار و انشا در قانون اساسی وجود داشته باشد از جهت اشاره و اشاعه آن باورهای اساسی، دینی، میهنی و

شاهنامه فردوسی مملو است از قهرمانان و دلاورانی که در متن و بطن حماسه‌سرایی‌های حکیم ابوالقاسم، جنگاوری، رشادت، عقلانیت، پاک‌بازی، پرهیزکاری و دیگر ارزش‌های والای انسانی را به منصفه ظهور رسانده و پس از آن، از کارزار روایت خارج می‌شوند، از جمشید تا زال و از زریر تا اسفندیار، گویی هر کدام سهمی از ارزش‌های والای انسانی را یدک کشیده و نماینده بخشی از فضائل و مناقب زمانه خود هستند.

در میان این پهلوانان، جهان پهلوان و آبر انسانی وجود دارد که جامع ارزش‌های عالی و متعالی دیگر پهلوانان است و بلکه فقط او این توفیق را داشته تا در مقامی قرار بگیرد که در آن خرد و رشادت، جنگاوری و عقلانیت، شور و شعور و جملگی این منزلت‌های به ظاهر متقابل و یا منفرد، به نحوی متعادل در وجودش قرار بیابند؛ هموار است گفتار راست‌کردار، سپهدار سپهکش، پیلتن تهمتن، امید و بازوی وطن، نماینده فرو شکوه ایران، پور نریمان، جهان پهلوان، رستم دستان نام داشته باشد.

نزد اصحاب ادب مشهور است که حکمت‌نامه فردوسی نماینده و نمایش‌گر تاریخ، فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی ماست، چنین اثری نه به مثابه حماسه‌ای از گذشته بلکه به مثابه اسطوره‌ای برای آینده، حقیقت پیدا میکند تا از کنار روایت‌های خاص و ظرافت‌های مخصوصش، آن عهد تاریخی جمعی خود را متذکر شویم و بدان افقی که در آن، این چنین ارزش‌ها و پهلوانانی معنا می‌یابند نائل شویم و در آن بیابیم شبیه آنچه که در مطالعات علوم انسانی کنونی بدان کهن‌الگو (آرکی‌تایپ یا ایده‌آل‌تایپ) گفته می‌شود، جایی که غالب‌ها و کلیشه‌هایی برآمده از سنت، فرهنگ و تاریخ جوامع، مددکار تحفیظ و پس از آن توصیف و تبیین شخصیت‌ها، کنش‌های اجتماعی و پدیده‌های تاریخی میشوند.

پس جهان پهلوانی مختص رستم نیست، چه رستم یکی از

جمله تجربه تاریخی مستمری هست که مردمان یک سرزمین در راه تاریخی طی شده با یکدیگر آن را کسب کرده و حامل آن بینش‌ها و ارزش‌ها هستند.

قانون اساسی دیگر نه تنها سندی صرفاً حقوقی، بلکه سندی فرهنگی، تاریخی و سیاسی به حساب می‌آید و نه تنها ابزار فعالیت حقوق‌دانان، که اگر جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان هم بخواهند جامعه‌ای را مورد مطالعه قرار داده و بشناسند، باید به قانون اساسی آن کشور، به مثابه عصاره فضائل و شمایل مردم آن سرزمین رجوع کنند.

[پرده سوم]

در تطبیق این معنای از قانون اساسی که ذکر شد، قانون اساسی کشور عزیزمان، جمهوری اسلامی ایران، از جمله کم‌نظیرترین قوانین اساسی در میان جامعه جهانی می‌باشد که می‌توان به صرافت و صراحت آن را آینه کامل و جامعی از جمله ارزش‌ها، بینش‌ها و خاطره کنش‌های مشترک یک ملت دانست، جایی که این قابلیت را داشته تا تمامی عناصر فرهنگی و تاریخی ایرانیان را در خود بازنمایی کرده و این امکان را در معرض هر خواننده‌ای قرار بدهد تا بتواند در همدلی و همراهی با محتوای خود، از مقدمه تا موخره و در لابلای اصل‌ها و فصل‌هایش، لطایف و ظرائف فرهنگ و معرفت ایرانی، اسلامی و انسانی مردمان ایران‌زمین را نمایش دهد، این مطلب تنها نه با تحلیل متن قانون اساسی ما بدست می‌آید، جایی که سخن از آفاق و آدابی چون: آزادی، استقلال، عدالت، عقلانیت، وحدانیت، رشادت، شهادت، تبعیت از ولایت، اتکای به شریعت، پاسبانی حقوق اقلیت، حفظ و حراست از تمام ملیت، پاسداری از جان، مال و ناموس ملت، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان و مسلمانان جهان، مشارکت عامه مردم، فراملی و فراسیاسی نگاه کردن، پرهیزکاری مسئولان، توجه به نخبگان، تاکید به علم و دانش، تقویت خانواده و... در میان است، بلکه با تحلیل نحوه تصویب آن؛ از جمله فرایند تشکیل مجلس موسسان، تعدد و تکثر گروه‌های حاضر در آن، مباحثات و طومارهای اساسی وارده از جانب اقشار مختلف و نخبگان و در نهایت انتخاباتی با اجماع و پشتیبانی تامه مردم نیز میتوان بدین نتیجه دست یافت.

با این توضیحات پیرامون ماهیت "قانون اساسی در سپهر سیاسی ایران" چه بسا بتوانیم تا به حیثیتی استعاری و وجهی اسطوره‌ای، انسانی را نازل‌منزل و آینه تمام‌نمای قانون اساسی خودمان قلمداد نماییم که حاکی و محکی از انسان کامل ایرانی اسلامی باشد، انسانی حامل روح و ایده قانون اساسی که همان قدر جامع ارزش‌ها و بینش‌های والای فکری، معرفتی و تاریخی جمهوری اسلامی ایران در نظر و عمل خود باشد.

اکنون با توجه به مقدماتی که در بندهای نخستین نوشته ذکر شد، دیگر با دقت و صرافت میتوان اقرار نمود که این انسان مجسم روح قانون اساسی و این لسان‌گویای اساس ملت (چه بسا دقیق‌تر باشد تا بگوییم آبرانسان) کسی نمیواند باشد چ� جهان‌پهلوان زمان!

[پرده آخر]

هنگامی که سخن از جهان‌پهلوانی در میان است، سخن از عینیت یافتن یک معنا در شخصی خاص است. صورت مثالی و محقق جهان‌پهلوان تنها زمانی موثر است که بر سر این عینیت‌یافتگی جهان‌پهلوان در زمانه و مصداقی خاص، توافقی جمعی در میان

باشد. جهان‌پهلوان چنان که با تبلیغ و تطمیع معین نمیشود، با تکذیب و تردید هم زوال نمی‌پذیرد. مصداق جهان‌پهلوان در خودآگاه و ناخودآگاه ملتی بارور میشود و هرکسی را گویی به جهان‌پهلوان زمانه خود راهی‌ست، چراکه شخص جهان‌پهلوان به مثابه روح مجسد قانون اساسی، ندا و صدای آحاد ملت است و هموست که مَعَرَف، مَقُوم، محافظ و شناسنامه جمیع مردم یک سرزمین است، دیگر این عجیب به نظر نمی‌آید تا شاهد وفاق گفتمان‌های متخاصم و شوق احزاب و جناح‌های فکری و سیاسی متخالف به شخص جهان‌پهلوان باشیم، چنانکه هر که را تعلقی به وطن باشد، خودش را فنای در قانون اساسی آن وطن می‌یابد، همین‌طور به شخص جهان‌پهلوان به مثابه صورت محقق و روح مجسد قانون اساسی کشور.

پرواضح که نوشتن از جهان‌پهلوانی چون رستم، چنان فردوسی را می‌خواهد تا حکیم و روشن‌ضمیر باشد، از این روی نگارنده سپاه این سپاه را چه به چه توصیف حقیقت نورانی شهید حاج قاسم سلیمانی، آن آبرانسان، انسان کامل و جهان‌پهلوان زمانه‌ما، که در نظرو عمل خویش، در نهان، عیان و بیانش، می‌توان تک تک کلمات و عبارت مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را رهگیری نمود؛ از عقلانیت، رشادت، شهادت، عدالت، حریت، لطافت، تبعیت از ولایت، اتکای به شریعت او تا حفاظت تام و تماش از ملت، ملیت، اقلیت و حراست و حمایت او از مسلمانان جهان و مستضعفان عالم. او به حقیقت و اطلاق کلمه پاسدار بود، نه تنها پاسداری از مرزهای زمینی ایران زمین، بلکه او پاسدار مرزهای زمانی ما بود؛ مرزهای فکری، معرفتی، فرهنگی ایران اسلامی.

گویی در او روح ایران اسلامی دمیده شده بود و به عنوان صورت مجسم و مجسد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسم جهان‌پهلوانی را یادگاری میکرد، او رستم زمان بود و اندک تورق و تتبعی می‌توان دریافت که وصیت‌نامه او کم از تالی تلوی قانون اساسی ما ندارد.

و حُسْن خِتام این نوشته، حُسْن مَطْلَع سیدحسین شهرستانی باشد که این چنین مرقوم داشت:

[شهید سردار قاسم سلیمانی، چکیده ارزشهای ملی و دینی تاریخ ما بود: او پهلوان بود و آیین پهلوانی و فتوت را از متن شاهنامه و عمق اساطیر به روزگار معاصر کشید. پهلوان دلیر و نستوه است اما بعلاوه مرد خرد و چاره و سیاست است و نیز اهل راز و نیایش و خلوت.

او ابرمرد دوران ما بود، اما چهره و رفتارش به عاشقان و شاعران بیشتر می‌مانست تا به جنگاوران!

او و همگانش در کارزار مردانه‌ی خویش، هویت ملی و هویت دینی و ارزشهای انسانی و جهانی را به وحدت رساندند.

ملی‌گرایان بگویند چه کسی هم‌تراز او پاسدار میهن بود؟! بزرگان دین و تشیع بگویند چه کس چون او از حریم اهل بیت دفاع کرد؟! و روشنفکران بگویند چه کسی مانند او از آزادی و صلح در برابر خشونت و ترور و تعصب صیانت نمود؟!]

سلیمانی توفیق جمع میان "خرد" و "حماسه" و "ایمان" است و گواه روشن بر این ضرورت که حراست از مرزهای ملی در گرو فراروی از مرزها است.]



بهمن عیسوند

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

یادداشت ۲۴

شخصیت و نقش سردار شهید قاسم سلیمانی به عنوان اسوه حمایت از مظلومان و مستضعفان ابعاد



شهیدی که توانسته‌اند جهت دفاع از خاک وطن و حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و اسلام ناب محمدی نقش آفرینی کنند نام این سرداران عزیز که با جان فشانی‌های خود در برابر هرگونه ظلم استکبارستیزان ایستادگی و مقاومت کرده‌اند در قانون اساسی کشور برجای بماند تا آیندگان ارزش و اهمیت والای آن را بهتر درک نمایند قانون اساسی جمهوری اسلامی با گنجاندن نام و راه سرداران شهید در متن قانون اساسی که از خون شهیدان راستین به وجود آمده پرصلابت‌تر و استوارتر خواهد بود.

وجودی وسیع و همه‌جانبه دارد و گستره شخصیت او فراتر از مرزهای ایران و جهان اسلام تعریف می‌شود؛ با توجه به تعبیرات رهبر فرزانه و گران قدر مقام معظم رهبری، ابعاد شخصیتی و وجودی این سردار شهید را باید به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگریست و آن وقت قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. با ظهور داعش توسط استکبار جهانی و هم پیمانان منطقه‌ای‌اش در منطقه خاورمیانه و در سرزمین‌های همجوار ایران و همچنین حمایت بعضی از کشورهای منفور شده منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای از این جریان، چالش‌ها و تغییرهایی عمیق را در معادلات منطقه‌ای ایجاد کرده است. گرچه ایران به عنوان یک کنشگر منطقه‌ای عمده، در نتیجه ظهور داعش با چالش‌هایی عمده روبه‌رو شد، در عین حال فرصت‌هایی جدید نیز در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفت. ایران به عنوان نماینده اسلام ناب محمد (ص) غیر خشونت‌ورزی با ظهور این گروه تروریستی و آدمکش، با چالش‌هایی در عرصه‌های مختلف گفتمانی، امنیتی و سیاسی روبه‌رو شده است؛ در عین حال، فرصت‌هایی مناسب نیز به دلیل فعالیت‌های این گروه برای معرفی اسلام خشونت پذیر پیش آمده است.

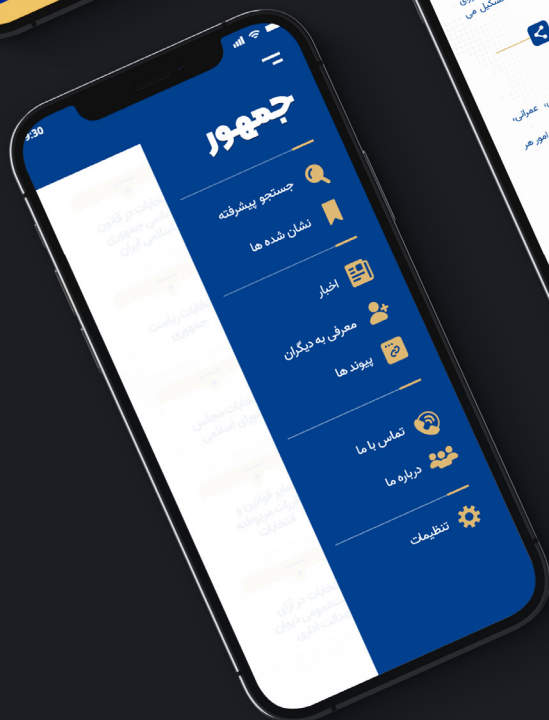
سردار شهید قاسم سلیمانی با استفاده از نبوغ نظامی و اندیشه استراتژیک خود اقدام به شناسایی هسته‌های خودجوش مقاومت در منطقه و برقراری ارتباط با آن‌ها کرد و با هویت بخشی به محور مقاومت، ایجاد پیوند جغرافیایی، شبکه‌سازی نیروهای محلی و بومی، فرماندهی در عمق میدان و... موفق به تحکیم و توسعه این محور شد. سردار قاسم سلیمانی که به نبوغ نظامی و برخورداری از اندیشه‌ای استراتژیک در عرصه سیاسی مشهور بود، توانست حلقه‌های مختلف متصل به محور مقاومت را مستحکم‌تر و متحدتر کند.

شایسته است با توجه به نقش توانمند و راهبردی سرداران

اپلیکیشن تلفن همراه جمهور

مجموعه قوانین و مقررات انتخابات
دریافت از بازار

جمهور



اپلیکیشن تلفن همراه اساس نامه

مجموعه قانون اساسی و نظرات شورای نگهبان
دریافت از بازار

اساس نامه

